

پژوهش های راهبردی مسائل اجتماعی ایران  
سال هشتم، شماره پیاپی (۲۷)، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۸  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۱۲  
صص ۹۹-۱۲۲

## مطالعه احساس امنیت روانی و اجتماعی با گرایش به خرافات مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه اصفهان

حمید دهقانی\*، استادیار، گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان، ایران

[h.dehghani@ltr.ui.ac.ir](mailto:h.dehghani@ltr.ui.ac.ir)

حدیقه ابراهیمی، دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت راهبرد فرهنگ، دانشگاه اصفهان، ایران

[hadighe.ebrahimi@gmail.com](mailto:hadighe.ebrahimi@gmail.com)

چکیده

خرافات در هر جامعه‌ای، مقوله‌ای منفی از ابعاد فرهنگ معنوی آن جامعه محسوب می‌شود که با پیامدهای آسیب اجتماعی و روانی و به اشکال گوناگون متناسب با زمان و مکان بر افشار جامعه تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین، پژوهش حاضر با هدف مطالعه تأثیر احساس امنیت اجتماعی و روانی بر گرایش به خرافات در بین دانشجویان دانشگاه اصفهان انجام شده است. چارچوب نظری، مبتنی بر نظریه‌های کنش غیرمنطقی پارتو، کنش غیرعقلانی و سنتی و بر، احساس امنیت روانی مازلو و امنیت اجتماعی اینگلهارت و جامعه آماری، شامل کلیه دانشجویان دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۹۷ بوده است. حجم جامعه، ۱۴۳۷۵ و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران برابر با ۳۷۵ نفر است که بر این اساس، ۴۰۰ پرسشنامه توزیع شد. روش نمونه‌گیری به شیوه سهمیه‌ای از هر دانشکده است. متخصصان و صاحب‌نظران با تأیید گویه‌ها، روایی محتوا را تأیید کردند. برای اعتبار پژوهش از ضریب پایایی (آلفای کرونباخ) استفاده شده است. ضریب آلفا برای متغیر احساس امنیت روانی (۰,۷۷۱)، متغیر احساس امنیت اجتماعی (۰,۷۴۵) و برای میزان گرایش به خرافات (۰,۷۶۶) است. داده‌ها با پرسشنامه محقق‌ساخته، جمع‌آوری و یافته‌های مبتنی بر آمار توصیفی و استنباطی با استفاده از نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شدند. نتایج نشان دادند میانگین امنیت روانی، ۲۸,۰۳ و امنیت اجتماعی، ۳۴,۵۶ است که به ترتیب با انحراف معیار ۱,۷ و ۱,۴۴ کمتر از میانگین کل است. میانگین خرافات، ۴۱,۲۱ با انحراف معیار ۲,۲۱ بیشتر از میانگین کل به دست آمد. رابطه امنیت روانی با گرایش به خرافات با شدت (۰,۳۱۷-) و رابطه امنیت اجتماعی با خرافات با شدت (۰,۱۴۵-) به صورت مستقیم و منفی تأیید شد. رابطه امنیت روانی و اجتماعی با گرایش به خرافات در زنان و مردان، قومیت‌های مختلف، مقاطع تحصیلی و افراد شاغل و بیکار متفاوت بود که در این میان، زنان، افراد بیکار، مقطع کارشناسی و قوم لر، گرایش بیشتری به خرافات نشان دادند. در تحلیل رگرسیون برای مشخص کردن معادله‌ای برای پیش‌بینی خرافات، معادله‌ای با متغیرهای امنیت روانی، امنیت اجتماعی، جنسیت و وضعیت اشتغال به دست آمد که در نهایت، ۲۲,۵ درصد از واریانس متغیر وابسته با این معادله تبیین شد. **واژه‌های کلیدی:** امنیت روانی، امنیت اجتماعی، خرافات، دانشگاه اصفهان، دانشجویان

\* نویسنده مسؤول: ۰۹۱۳۴۱۱۸۹۶۲

Copyright©2020, University of Isfahan. This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0>), which permits others to download this work and share it with others as long as they credit it, but they can't change it in any way or use it commercially.

[Doi: 10.22108/srspj.2020.118235.1435](https://doi.org/10.22108/srspj.2020.118235.1435)

## مقدمه و بیان مسئله

بشر از ابتدای هستی تاکنون، برای تبیین هر پدیده‌ای به موارد گوناگونی متوسل شده است. زمانی که علم وی از امور جهان محدود و ناقص بود، هر پدیده‌ای را به خدایان، ارواح، شیاطین و امور ماوراءالطبیعه نسبت می‌داد و در مواقع ترس و احساس ناامنی، برای رفع و کاستن آنها به مراسم‌های مختلف، سحر، جادو، دعانویسی و به‌طور کلی، خرافات روی می‌آورد. خرافات بخش جدایی‌ناپذیر فرهنگ غیرمادی<sup>۲</sup> هر جامعه‌ای است که به درازای تاریخ در اشکال و شیوه‌های گوناگون به حیات خود ادامه داده‌اند. همانگونه که بسیاری از باورها، تابع شرایط زمانی و مکانی خاص خود هستند، باورهای خرافی نیز زمان‌پرور و زمین‌پرور هستند؛ باین‌حال، نادرست نیست اگر بگوییم در هر قشر و طبقه‌ای، رگه‌ای از باورهای خرافی با درجات متفاوت وجود دارد. امروزه، که پیشرفت‌های تکنولوژیکی، استفاده از رسانه، اینترنت و ... را افزایش داده است، خرافات نیز در همین رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی - اینترنتی (به‌صورت فال‌گیری، پیشگویی و... به شیوه آنلاین) رسوخ کرده و افراد زیادی را به خود مشغول داشته است.

در حال حاضر، مسئله مهم، ادامه حیات این باورها در عصری است که سرشار از پیشرفت‌های علمی، تکنولوژیکی، صنعت، چیرگی زیاد انسان بر طبیعت، انفجار اطلاعات و یافته‌های علمی و غیره است و با اینکه بیشتر این باورهای خرافی به شیوه‌های علمی باطل شده‌اند، عده‌ای هنوز به آنها معتقد و پایبندند.

خرافات به‌عنوان مرهمی در برابر ناامنی‌های<sup>۳</sup> افراد در زندگی رواج یافته است و در واقع، نوعی تلاش ناگزیر برای نفوذ در آینده است تا در مسیر وقایع و حوادث برای خوشایندسازی در امور تأثیر بگذارد. در بینش مارکس<sup>۴</sup> نیز تمام مسائلی که صبغه متافیزیکی<sup>۵</sup> و ماوراءالطبیعی<sup>۶</sup> داشته باشند - از جمله خرافات - ذیل ایدئولوژی طبقه‌بندی

می‌شوند و او تمامی آنها را صورت وارونه‌ای از حقیقت می‌داند که در شرایط اجتماعی برساخته می‌شوند و بنیادی حقیقی ندارند (جهانشاهی افشار و شمس‌الدینی مطلق، ۱۳۹۳: ۵۱).

مطالعات روانشناسی خرافات نیز نشان می‌دهد معمولاً در مواقع حساس و لحظاتی که اطمینان به آینده وجود نداشته باشد؛ مثلاً در رویارویی با مسائلی همچون تولد، مرگ، مرض، قحطی، و خشم، خرافات زاده می‌شود. در این مواقع، انسان‌ها به‌علت اینکه نمی‌توانسته‌اند از راه علم و منطق، دلایلی منطقی برای توجیه اتفاق بیابند، به اعتقادات خرافی گرایش پیدا می‌کنند تا از اضطراب و تشویش درونی رها شوند و تسکین خاطر پیدا کنند (ایسپا، به نقل از افشانی، ۱۳۸۵: ۳۸). در واقع، تهدیدها، حالتی از بی‌اطمینانی نگران‌کننده پدید می‌آورند و همین امر، فرد را به پناه‌بردن به ارزش‌های فرهنگی قبلی سوق می‌دهد. خرافات در این سازوکار دفاعی در قالب ارزش‌ها و جهان‌بینی‌های فرهنگی ظهور و بروز می‌یابد و ضمن کاهش احساس ناامنی و بی‌اطمینانی، شرایط را به لحاظ روانی به صورت کنترل‌پذیر درمی‌آورد (ریعی، ۱۳۹۱: ۱۱۰ و ۱۱۱). گاه، انسان‌ها در موقعیت‌های حساس یا فراتر از کنش‌وری خود، در مسیری گام می‌گذارند که نقص‌ها و ضعف‌هایشان را جبران کند و یا اینکه به انتظار نزول معجزه‌ای از عالم غیب می‌نشینند. بدین‌گونه در شرایط بحرانی - که معمولاً فرد، عقلانیت را قربانی احساساتش می‌کند - زمینه و بستر پیدایش خرافات و امور خرافی بیش از هر زمان دیگری فراهم می‌شود. در چنین شرایطی، افراد به‌راحتی حاضر به گذشتن از این باورها نیستند و برای توجیه کار خود از هیچ بحث‌وجدلی فروگذاری نمی‌کنند؛ زیرا کمتر از سطح معمول از بینش و بصیرت بهره می‌برند.

با پیشرفت علم و صنعت و تغییرات عمیق در زندگی روزمره مردم، ترس‌ها و برداشت از امنیت نیز تغییر کرد؛ یعنی در دوره‌های قبل، ترس‌های بشر، بیشتر از طبیعت و امور ناشناخته بود؛ اما در دوره جدید، این ترس‌ها جای خود را به ترس از ناامنی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره داد؛ در نتیجه، گرایش به خرافات نیز برای حل این مسائل به حیات

<sup>۱</sup> Superstitions<sup>۲</sup> Immaterial culture<sup>۳</sup> Insecurity<sup>۴</sup> Marx<sup>۵</sup> Metaphysic<sup>۶</sup> Supernatural

برابر با ۳۳٫۶ شد. براساس این نتایج، تفاوت زیادی بین نتایج در این سه شهر مشاهده نشده است؛ اما در نتیجه، سطح توسعه انسانی منطبق با سطح گرایش به خرافه نبود. همچنین، گروه‌هایی از مردم، که تقدیرگرتر بودند، به شدت خرافه‌گرتر بودند.

آنگونه که رئیس پلیس آگاهی استان اصفهان خبر داده است، مراجعه مردم اصفهان به رمالان زیاد است. آمار دقیقی از مراجعه شهروندان اصفهانی به افراد رمال وجود ندارد؛ اما بررسی‌ها نشان می‌دهند، تعداد مراجعات به اینگونه افراد بسیار زیاد است؛ به گونه‌ای که حتی در بازرسی از منزل یکی از این مجرمان، چهار عدد دستگاه پرداخت پول کشف شد. در شناسایی رمالی دیگر نیز مشخصات بیش از دوهزار نفر از مراجعان در دفاتر کشف‌شده از وی به دست آمد. رئیس پلیس آگاهی استان اظهار داشت این رمالان، سابقه مصرف مواد مخدر و حتی خرید و فروش مواد افیونی دارند. همچنین تقریباً نیمی از آنها پس از آزادی، مجدداً به عمل مجرمانه رمالی و فال‌گیری روی می‌آورند که این موضوع ناشی از اطلاع رسانی نکردن دقیق رسانه‌ها و کم‌اطلاعی جامعه از فعالیت مجرمانه آنان است که باعث می‌شود این افراد از غفلت مردم سوءاستفاده کنند و دوباره، کار خود را به‌طور مخفیانه از سر گیرند (زواره‌ای، ۱۳۹۶: ۱۲).

به‌هرروی، میزان خرافه‌گرایی در شهر اصفهان از جمله مباحث مهمی است که بر باورها و نگرش افراد جامعه نیز اثر می‌گذارد. تاکنون، هیچ پژوهش منسجمی، ابعاد مختلف احساس امنیت روانی و اجتماعی و تأثیر آن را بر میزان گرایش به خرافات افراد بررسی نکرده است؛ بنابراین، پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این پرسش است که میزان احساس امنیت روانی و اجتماعی، به چه میزان بر گرایش افراد به خرافات تأثیر دارد. در پژوهش حاضر کوشیده شد علل تداوم این باورها از منظر امنیت روانی و اجتماعی<sup>۳</sup> در میان دانشجویان دانشگاه اصفهان بررسی و تبیین شوند.

خود به‌گونه‌ای دیگر ادامه دادند؛ زیرا همچون مخدر و افیونی رنج آنها از این امور را کاهش می‌داد.

پژوهش‌ها نشان می‌دهند، با آنکه دانشجویان، قشر تحصیل‌کرده و آینده‌سازان هر مملکتی هستند، در میان این قشر، همواره باورهای خرافی مشاهده شده است و در مواردی مانند پژوهش‌های جان‌علیزاده چوب‌بستی و همکاران، ۱۳۸۸؛ عزیزخانی و همکاران، ۱۳۹۴؛ مرادی رستگار و همکاران، ۱۳۹۷؛ ثروت‌یاری و همکاران، ۱۳۹۷؛ مارکل<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷؛ شای هونگ<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹ و ساگون و الویرا د. کارلو، ۲۰۱۵ این موضوع بررسی شده است؛ اما همانگونه که توضیح داده شد، باورهای خرافی در هر قشر و طبقه‌ای، متفاوت است؛ برای مثال، در پژوهشی در دانشگاه‌های مازندران و صنعتی نوشیروانی بابل مشخص شد در میان دانشجویان، خرافه‌گرایی اجتماعی در مقایسه با خرافه‌گرایی دینی، شیوع بیشتری دارد و چیزی حدود دو برابر است (جان‌علیزاده و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۲۶). همچنین نتایج پژوهشی در دانشگاه کاتانیا نشان دادند در رشته‌هایی همچون روانشناسی و مهندسی، میزان گرایش به خرافات براساس اسناددهی خارجی یا داخلی، تفاوت دارد (Sagone et al., 2015:366).

ریبئی (۱۳۹۱) در پژوهشی درباره شهر اصفهان نشان داد مردم اصفهان، تقدیرگر هستند. وی به این نتیجه رسید که بین باورهای خرافی و متغیرهای جنس، سن، تحصیلات، دین‌داری و هزینه‌های زندگی، رابطه وجود دارد. به‌طور کلی، زنان بیش از مردان به باورهای خرافی گرایش دارند و همچنین با افزایش سن بر میزان خرافه‌گرایی افزوده می‌شود.

افشانی و همکاران (۱۳۸۵) در پژوهشی که در اصفهان انجام دادند، میزان خرافه‌گرایی در سه شهر اصفهان، اهواز و ایلام را با سه سطح توسعه انسانی زیاد، متوسط و ضعیف در مقایسه با متوسط کشور بررسی کردند. براساس این پژوهش، که در قالب نمونه‌ای ۸۶۹ نفری انجام شده است، میزان گرایش به خرافه در اصفهان، ۳۲٫۷ به دست آمده است و میانگین کلی، به‌علت نابرابری جمعیت نمونه در سه شهر،

<sup>1</sup> Markle

<sup>2</sup> Shuihung

<sup>3</sup> Socio-Psychological security

پیشینه پژوهش

امروزی نیز نیاز به بررسی این موضوع احساس می شود. تاکنون، درباره برخی از جنبه های خرافات، مقالات زیادی منتشر شده است که در این قسمت به چند نمونه اشاره می شود.

به نظر می رسد با گسترش سطح سواد و فرهنگ عمومی جامعه، میزان گرایش به خرافات کاهش یابد؛ اما حتی انسان های مدرن نیز نمی توانند خرافات را به طور کامل رد کنند یا عملاً از آن خلاص شوند؛ بنابراین همچنان در جامعه

جدول ۱- پیشینه پژوهش

پژوهشگران	نام پژوهش	نوع پژوهش	متغیرها	نتایج
ربیعی (۱۳۹۶)	کنکاشی در تلقی افراد از چیستی خرافات و عوامل مؤثر بر آن. مطالعه موردی: شهرستان های استان اصفهان	روش ترکیبی	متغیر مستقل: وجود خطر، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، وضعیت سوادآموزی	سطح توسعه و افزایش کیفیت زندگی فردی و جمعی بر میزان خرافه گرایی افراد، اثر منفی اعمال کرده است. همچنین با افزایش سطح تحصیلات افراد و به ویژه، برخورداری آنان از تحصیلات دانشگاهی، از میزان خرافه گرایی و تقدیرگرایی آنان کاسته است.
زارع و همکاران (۱۳۹۴)	عوامل مؤثر بر گرایش به خرافات در بین بازیکنان فوتبال ایران	پیمایش (کاربردی)	متغیر مستقل: احساس بی اطمینانی از بازی، اهمیت نتایج بازی، اضطراب قبل از بازی	میزان گرایش به خرافات در بین بازیکنان فوتبال ایران در سطح متوسط، حدود ۴۱ درصد است و رابطه معنی داری بین شاخص های تحصیلات، وضعیت تأهل، احساس بی اطمینانی بازی، اهمیت نتایج بازی، اضطراب قبل از بازی، قومیت، محل تولد و گرایش به خرافات وجود دارد. افزایش سطح تحصیلات و تقلیل اضطراب ناشی از بازی، نقشی اساسی در کاهش گرایش به خرافات در بین بازیکنان فوتبال دارد.
صفایی و همکاران (۱۳۸۹)	بررسی عوامل جامعه شناختی مرتبط با خرافات، مطالعه موردی شهر همدان	پیمایش (همبستگی)	متغیرهای مستقل: آگاهی، کنش عقلانی، احساس امنیت و رضایت از زندگی	در تمام شاخص ها بجز شاخص فال، زنان خرافاتی تر از مردانند. با افزایش سن، احساس نابرابری و از خود بیگانگی، گرایش به خرافات بیشتر می شود. مشاغل فکری (خدماتی) و فارس زبانان، گرایش کمتری به خرافات دارد و مشاغل کشاورزی و کرد و لر زبانان، گرایش بیشتری به خرافات دارند. با افزایش تحصیلات، درآمد، آگاهی، کنش عقلانی، احساس امنیت و رضایت از زندگی گرایش به خرافات نیز کمتر می شود.
جانعلیزاده و همکاران (۱۳۸۸)	کاوشی جامعه شناختی در وضعیت خرافه گرایی دانشجویان	پیمایش (همبستگی)	متغیر مستقل: میزان دین داری، جنس و میزان تحصیلات	بسامد پایانی زیاد مقیاس ساخته شده خرافه گرایی ( $d > 0.180$ )، خرافه گرایی کمتر از یک چهارم دانشجویان (حدود ۲۳ درصد)، وجود تفاوت معنی دار در میزان گرایش به خرافات دانشجویان برحسب جنس و دوره تحصیلی و نبود این نوع تفاوت برحسب وابستگی رشته ای و دانشگاهی، که حدود ۱۸ درصد میزان تغییرات متغیر وابسته (خرافه گرایی دانشجویان) با استفاده از سه متغیر میزان دین داری، جنس و میزان تحصیلات و مهم تر بودن متغیر میزان دین داری به علت اثربخشی بر میزان خرافه گرایی این دانشجویان در مقایسه با دو متغیر دیگر از جمله یافته های مهم این مطالعه است.
افشانی (۱۳۸۵)	تبیین جامعه شناختی گرایش به خرافات در ایران، مطالعه موردی: شهرهای اهواز، اصفهان و ایلام	پیمایش (توصیفی-همبستگی)	متغیرهای مستقل: دین داری، تحصیلات، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، نوگرایی، پایگاه اقتصادی-اجتماعی	میانگین گرایش به خرافات در اصفهان، کمتر از اهواز بوده است. همچنین میانگین گرایش به خرافات زنان بیش از مردان بود. از مجموع متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون، تقدیرگرایی و دین داری، جنسیت و پایگاه اقتصادی-اجتماعی، بیشترین تأثیر را بر گرایش به خرافات داشته اند. همچنین، رابطه متغیرهای تحصیلات، استفاده از وسایل ارتباط جمعی، نوگرایی، پایگاه اقتصادی-اجتماعی با گرایش به خرافات، معکوس و معنی دار بوده است.
			متغیر وابسته: گرایش به خرافات	

پژوهشگران	نام پژوهش	نوع پژوهش	متغیرها	نتایج
هالا و همکاران <sup>۱</sup> (۲۰۱۹)	تأثیر خرافه بر سلامتی: شواهدی از ماه ارواح تایوانی	پیمایش (توصیفی - همبستگی)	متغیر مستقل: میزان خرافه‌پرستی متغیر وابسته: میزان سلامتی	۷۲ درصد از تایوانی‌ها به ماه ارواح معتقد بودند که براساس آن، در این ماه، ارواح وارد دنیای زندگان می‌شوند و در آن پرسه می‌زنند و حضور آنها به افزایش خطرات ناشی از تصادف‌ها منجر می‌شود؛ در نتیجه، معتقدان به این باور، در این ماه از کارهایی همچون مسافرت، شنا، ترک خانه پس از غروب آفتاب، رویدادهای مهم اجتماعی، خریدهای عمده و حتی جراحی‌ها خودداری می‌کردند؛ زیرا ارواح به دنبال جسد قربانیان هستند تا دوباره متولد شوند. این مسئله باعث شد تا در استفاده از مراقبت‌های بهداشتی ضعیف عمل کنند و یا آن را به تعویق اندازند که ممکن است سلامتی آنها را به خطر اندازد. همچنین افراد در تمام این ماه از ازدواج پرهیز می‌کردند.
ساگون و الویرا د. کارولی <sup>۲</sup> (۲۰۱۵)	اعتقادات درباره خرافات و شانس در دانشجویان (مطالعه موردی: دانشگاه کاتانیا (سیسیل ایتالیا))	پیمایش (همبستگی)	متغیر مستقل: میزان کنترل شرایط، میزان کارآمدی افراد متغیر وابسته: میزان گرایش به خرافات	بین دانشجویان رشته‌هایی چون روانشناسی و مهندسی در حیطه اسناد خارجی و داخلی، تفاوت وجود داشت. به‌طور کلی، اسناد خارجی، تأثیر مثبتی بر گرایش به خرافات، خوشبختی و بازنمایی شانس داشت و اسناد داخلی، آثار منفی بر بازنمایی خرافات دارد. در واقع، هرچه دانشجویان، شرایط زندگی خود را به‌صورت شخصی کنترل کنند، خرافات کمتری دارند. همچنین، هرچه از نظر دانشگاهی، خود را کارآمد بدانند، کمتر خرافاتی هستند.
حق‌کایانی <sup>۳</sup> (۲۰۱۱)	اعتقاد به سرنوشت، خرافات، دین و فرهنگ و اعتقادات و رفتار کار بر جاده	کیفی داده‌بنیاد		افراد، اعتقادات بی‌سابقه‌ای در پیش‌بینی یا سرنوشت بیان کرده‌اند که نشان می‌دهد عواقب سقوط جاده به‌طور عام به‌عنوان مسئله‌ای غیر از کنترل انسان‌ها دیده می‌شود؛ زیرا خدا آن را کنترل کامل کرده است. چسباندن پارچه سیاه و سبز به وسیله نقلیه، قرارداد نام اولیا در وسیله نقلیه و انجام دادن کارهایی دیگر برای جلوگیری از آثار سحر و جادوی سیاه و سفید
شای‌هونگ <sup>۳</sup> (۲۰۰۹)	آیا خرافات کمکی می‌کند؟ مطالعه رابطه خرافات، باورهای مرگ، شخصیت و اضطراب مرگ در دانشجویان دانشگاه هنگ‌کنگ	پیمایش (همبستگی)	متغیر مستقل: میزان خرافه‌گرایی متغیر وابسته: میزان اضطراب، باورهای مربوط به مرگ	خرافات، کاهش‌دهنده اضطراب، نبود تحمل، نبود قطعیت و مقابله با اجتناب فرار از مرگ بودند. همچنین جنسیت در میزان گرایش به خرافات، تأثیرگذار بود و زنان بیش از مردان به خرافات، گرایش نشان داده بودند.
مارکل <sup>۴</sup> (۲۰۰۷)	جادویی که ما را مقید می‌کند: استرس و خرافات	پیمایش (همبستگی)	متغیر مستقل: گرایش به خرافات وابسته: میزان استرس	جنسیت و قومیت، بر میزان گرایش به خرافات در شرایط استرس‌زا، تأثیری نداشته است. خرافات، استرس و اضطراب را کاهش می‌دهد و کارکرد مثبت در آرامش فرد داشته است؛ باین‌حال، در بیان شواهد قطعی برای حمایت از این نظریه موفق نیست.

<sup>1</sup> Halla et-al.

<sup>2</sup> Haq Kayani

<sup>3</sup> Shuihung

<sup>4</sup> Markle

یکی از علل اصلی گرایش به خرافات از ابتدای زندگی بشر تاکنون، احساس ناامنی وی به وقایع پیرامونش است. امنیت<sup>۱</sup> از نظر، لغوی عبارت از حفاظت در مقابل خطر (امنیت عینی)، احساس ایمنی (امنیت ذهنی) و رهایی از تردید (اعتماد به دریافت‌های شخصی) است (بوزان<sup>۲</sup>، ۱۳۷۸: ۵۲). امنیت انسانی نیز شرایطی را توصیف می‌کند که در آن، بستر رفع نیازهای روحی و معنوی انسان به‌طور توأمان و دائمی فراهم آید (کینگ و موری<sup>۳</sup>، ۱۳۸۳: ۷۷۵).

گروه زیادی از مردم، که برای انواع و اقسام دعانویسی، طالع‌بینی، فال‌گیری، سحر، جادو و ... هزینه می‌کنند، افرادی هستند که بیشترین احساس ناامنی را در زندگی‌شان دارند؛ بنابراین، تقدیرگرایانه‌تر به امور پیرامون می‌نگرند و با گرایش به این امور، دست روی دست می‌گذارند و منتظر فتح بابی در کارهایشان هستند. بر این اساس، هم‌زمان با افزایش احساس ناامنی افراد در جامعه، بازار رمالان، جادوگران، فال‌گیران و غیره نیز رونق می‌گیرد و از آنجاکه این افراد بیش از دیگران، احساساتشان بر آنان غلبه می‌کند، دلبسته امور می‌شوند که مرهمی بر احساس ناامنی آنها گذارد و در گیرودار مشکلات، روزنه‌ای از امید در قلبشان باز کند. چه بسا آنها حاضرند در این راه، هزینه‌های کلانی بکنند و گاه، قربانی سودجویان شوند.

خرافه، خود به معنای چیزی است که واقعیت ندارد و ساخته ذهن و فکر انسان است که پس از پیدایش به آن اهمیت می‌دهد و برای آن در زندگی خود قدرت تأثیرگذاری قائل می‌شود؛ در صورتی که هیچ‌گونه تأثیری در زندگی و حقایق هستی ندارد؛ نظیر فال‌گیری، سحر و جادو، سعد و نحس برخی از اماکن و امثال آن (ربیعی، ۱۳۹۲: ۲۱). به تعبیر مایینوفسکی، «ما جادو - خرافه - را در جایی می‌یابیم که عناصری از شانس و تصادف و بازی احساسی میان امید و

با نگاهی کلی به پژوهش‌های گذشته، پژوهشی یافت نشد که به‌صورت همه‌جانبه، عوامل مؤثر بر گرایش به خرافات را در حوزه احساس امنیت اجتماعی و روانی بررسی کرده باشد؛ اگرچه در برخی از پژوهش‌ها در کنار دیگر متغیرهای زمینه‌ای رایج همچون جنسیت، سن، تحصیلات، وضعیت تأهل و وضعیت اقتصادی، به‌صورت کلی و سطحی، اشاره‌ای به احساس امنیت نیز شده است که نشان می‌دهد افزایش احساس امنیت در بین افراد موجب کاهش میزان گرایش به خرافات می‌شود. درواقع، آنچه این پژوهش را از پژوهش‌های دیگر متمایز می‌کند، توجه به سطوح خرد و زیرین احساس امنیت اجتماعی و روانی و تأثیر آن بر گرایش به خرافات در دانشجویان به‌عنوان قشر تحصیل‌کرده جامعه است که در هیچ‌کدام از پژوهش‌های قبلی بدان توجه نشده است. همچنین در پژوهش حاضر، با بررسی این موضوع، به‌نوعی دغدغه اجتماعی با پیامدهایی روانی و اجتماعی جامعه دانشجویی در شرایط فعلی جامعه نیز توجه شده است.

### مبانی نظری

رفتار انسان‌ها از اندیشه‌های آنان متأثر است؛ به‌گونه‌ای که با مطالعه صحیح رفتار افراد مشخص می‌شود که این موضوع، تا حد زیادی نشان‌دهنده طرز تفکر و نوع اندیشه آنان است و با آگاهی از طرز تفکر افراد، رفتار آنان پیش‌بینی‌شدنی است. خرافات نیز از این قاعده کلی مستثنا نیست. رفتارهای خرافی افراد از نوع اندیشه و طرز تفکر آنان تأثیر می‌گیرد؛ به عبارت دیگر، کسانی که رفتارهای خرافی انجام می‌دهند، در کنه اندیشه نیز به‌درستی و عقلانیت این اعمال، اعتقاد دارند. همچنین کسانی که رفتارهای خرافی را به‌علت غیرمنطقی بودن آنها نمی‌پذیرند، از انجام آن نیز خودداری می‌کنند؛ پس نتیجه می‌گیریم رفتارهای خرافی از باورها، اندیشه‌ها و تفکرات خرافی ناشی می‌شوند؛ بنابراین اگر ما عوامل مؤثر بر اندیشه‌های خرافی را شناسایی کنیم، درواقع، به شناخت عوامل مؤثر بر خرافات موفق شده‌ایم (افشانی، ۱۳۸۵: ۶۷).

<sup>1</sup> Security

<sup>2</sup> Buzan

<sup>3</sup> King and Murray

پس از بررسی نمونه‌های مختلف در تاریخ گذشته و معاصر و به گواهی بسیاری از ایدئولوژی‌های گوناگون - اعتقادات و آیین‌هایی که معتقدند انسان‌ها را به کنش وامی‌دارند - چنین نتیجه می‌گیرد که این نظام‌های اعتقادی غیرعلمی، به‌ندرت تعیین‌کننده کنش بشری بوده‌اند؛ بلکه غالب احساسات ریشه دار انسانی که در این اعتقادات متبلورند، انسان‌ها را به کنش واداشته‌اند. پارتو استدلال می‌کند که انسان‌ها منطقی عمل نمی‌کنند؛ اما به منطقی جلوه‌دادن رفتارشان، سخت‌گرایش دارند؛ یعنی می‌خواهند نشان دهند عملشان نتیجه منطقی یک‌رشته افکار است. در واقع، بیشتر اعمال ما مبتنی بر آن رشته اعتقاداتی نیستند که برای معقول و «منطقی» جلوه‌دادن اعمالمان به کار می‌بریم؛ بلکه یک حالت ذهنی از پیش موجود و یک احساس بنیادی بشری، ما را به کنش وامی‌دارند (کوزر،<sup>۱</sup> ۱۳۸۰: ۵۱۳).

از نظر پارتو، کنش‌های غیرمنطقی، بیشتر از حالات مشخص روحی و احساسات نیمه‌خودآگاه و نظایر آن سرچشمه می‌گیرند و این بر عهده روانشناس است که چنین حالات روحی را بررسی کند و ما با این احساسات فقط به عنوان داده‌های واقعیت برخورد می‌کنیم و از این جلوتر نمی‌رویم. پارتو نظام‌های مابعد طبیعی، مذهبی و اخلاقی را در معرض تحلیلی کوبنده قرار می‌دهد و نشان می‌دهد که همگی این نظام‌ها برخلاف آنچه به‌ظاهر می‌نمایند، هیچ فصل مشترکی با نظریه‌های علمی ندارند و بی‌محتوایی مفاهیمی همچون آزادی، برابری، پیشرفت و اراده همگانی به‌اندازه افسانه‌ها و اوراد جادویی مردم ابتدایی است که برای معقول‌کردن اعمالشان به کار می‌بردند و هیچ‌یک از این مفاهیم، تصدیق‌پذیر نیست و همگی، افسانه‌هایی هستند که فقط برای مقبول جلوه‌دادن کنش‌های انسان‌ها به کار می‌آیند. هرچند پارتو انکار نمی‌کند که چنین افسانه‌هایی، گهگاه بر رفتار بشری تأثیر می‌گذارند، بیشتر بر نمونه‌هایی انگشت می‌گذارد که این افسانه‌ها فقط به‌صورت نقاب عمل می‌کنند و

هراس در سطح گسترده‌ای وجود دارد» (Malinowski, 1984: 116).

خرافات در طول تاریخ، دو گونه کارکرد و نقش داشته است: یکی کارکرد عینی خرافات که معمولاً به‌صورت شعائر، اعمال و مناسک، تجلی می‌یابد و عموماً در عرصه زندگی فردی و اجتماعی جوامع دیده می‌شود و دیگری، کارکردهای ذهنی خرافات است که مجموعه کارکردهایی را شامل می‌شود که در ساحت روان و درون انسان‌ها اتفاق می‌افتد (زارع و همکاران، به نقل از صالحی و امیری، ۱۳۹۴: ۳۲).

کینان در پژوهشی که در طول جنگ خلیج فارس انجام داد، به این نتیجه رسید که به‌علت شرایط استرس‌زای جنگ، خرافات و افکار جادویی به‌شدت رواج یافته بود (Keinan, 1994: 41؛ به نقل از افشانی، ۱۳۸۵: ۳۸، Markle, 2007: 8). همچنین پاچت و جورجسون معتقدند در آلمان در فاصله سال‌های ۱۹۱۸ تا ۱۹۴۰ (جنگ جهانی) همراه با فشارهای اقتصادی، گرایش به خرافات بیشتر شده بود (Padgett and Jorgenson, 1982: 628؛ به نقل از افشانی، ۱۳۸۵: ۳۸، Markle, 2007: 8).

از آنجاکه در این پژوهش، گرایش به خرافات از منظر احساس امنیت اجتماعی و روانی، تبیین جامعه‌شناختی می‌شود، در بررسی آرای جامعه‌شناسی، این نتیجه به دست آمد که هیچ‌کدام از نظریات این حوزه به‌طور مستقیم به مبحث خرافات توجه نکرده‌اند؛ با این حال، با بررسی آرای نظریه‌پردازان حوزه کنش اجتماعی و امنیت اجتماعی، تا حدودی محدودیت‌های نظری این پژوهش برطرف می‌شود.

## چارچوب نظری

### نظریه کنش منطقی و کنش غیرمنطقی

کنش‌های منطقی، کنش‌هایی هستند که هم از نظر ذهنی و هم عینی، منطقی باشند و کنش غیرمنطقی به هر کنشی اطلاق می‌شود که در چارچوب تعریف صریح پارتو از کنش منطقی نگنجد و این کنش در مقوله ته‌نشست‌ها جای می‌گیرد. پارتو از روشی استقرایی برای ساختن چهارچوبی مفهومی برای تحلیل عناصر غیرمنطقی در کنش بشری استفاده می‌کند. او

<sup>1</sup> Coser

شناختی و بیانی، یک ارزش به شمار می‌رود. این نکته همان قدر که درباره عشق به حقیقت یا به یقین صدق می‌کند، درباره علاقه به ایمنی نیز صادق است. احساس ایمنی، انگیزه و محرک سودمندی نخواهد بود؛ بلکه استعداد فرد را در روبروشدن با مشکلات و خطرات و حل کردن آنها نیز محدود می‌کند. ناپهنجاری‌های روانی و رفتاری در انسان، هنگامی شروع می‌شود که احساس نایمنی بر وجود او حاکم شود. این احساس به شیوه‌های مختلف بر زندگی آنها و دیگران تأثیر می‌گذارد. احساس نایمنی، فرد درگیر را در فشار قرار می‌دهد و مسائل و مشکلاتی را برای او ایجاد می‌کند و حتی پیامدهای سوئی نیز در بهداشت روانی فردی و ارتباطات اجتماعی او به همراه دارد. احساس نایمنی در جنبه‌های مختلف زندگی شغلی، تحصیلی، خانوادگی و اجتماعی نمود پیدا می‌کند و با متغیرهای سن، جنس، دین، تأهل، شغل، رشته تحصیلی، شدت یا کاهش می‌یابد. احساس نایمنی در دوره‌های مختلف سنی مشاهده می‌شود. مازلو (۱۳۶۶) گرایش به دین‌داری یا فلسفه‌ای جهانی را، که جهان و مردم آن را به شکل کلیتی معنی‌دار، منسجم و رضایت‌بخش سازمان می‌دهد، تاحدودی، به انگیزه امنیت‌طلبی مربوط می‌داند.

از نظر مازلو برای بررسی وضعیت روانی و خانوادگی هر فرد باید به سنجش احساسات افراد در امور مختلف زندگی روزمره توجه کرد. از نظر او برای بررسی وضعیت روانی باید مواردی از جمله ناسازگاری محیطی، پارانوایا، اعتقاد به خود، اشتیاق به زندگی، افسردگی، احساس سعادت‌مندی، امنیت اجتماعی، خودآگاهی، اعتماد به نفس، احساس عصبانیت، یأس و ناامیدی، علاقه به زندگی، سازگاری با دیگران، احساس سلامت و احساس حقارت را سنجید (زارع و امین‌پور، ۱۳۹۰). مطالعات روان‌شناختی خرافات نیز نشان می‌دهند خرافات معمولاً در مواقع حساس و لحظه‌های وجود ناامنی روانی و نااطمینانی به آینده زاده می‌شوند. رویارویی با مسائلی همچون تولد، مرگ، مرض، قحطی و فقر و حوادث طبیعی و مواردی از این قبیل از این قبیل، همیشه برای بشر، منبع اضطراب بوده

و نقاب‌افکنی را یکی از مهم‌ترین وظایف تحلیلگران اجتماعی می‌داند (کوزر، ۱۳۸۰: ۵۱۴-۵۱۵).

از دیدگاه وبر، انواع کنش عبارتند از کنش عقلانی معطوف به هدف، کنش عقلانی معطوف به ارزش، کنش عاطفی و کنش سنتی (وبر، ۱۳۷۴: ۲۸). براساس این دسته بندی‌ها، خرافات در دسته کنش غیرمنطقی و سنتی قرار می‌گیرد. از دیدگاه او، ویژگی اصلی دوران مدرن، «خردورزی»، «عقلانیت» و مهم‌تر از همه، «وهم‌زدایی از جهان» است. «خردورزی و عقلانیت و مهم‌تر از این دو، "وهم‌زدایی از جهان" ویژگی‌هایی هستند که سرنوشت جامعه زمانه را ترسیم می‌کنند». مطابق عبارت مذکور، خردورزی و افسون‌زدایی، ثمره عقلانیت مدرن است نه چیزی غیر از آن؛ بنابراین با افزایش کنش عقلانی و منطقی باید از میزان خرافات کاسته شود.

فرایند تاریخی بزرگ عقلانی‌شدن در توسعه ادیان، یعنی برچیده‌شدن کامل بساط جادوگری در دنیا توسط پیامبران عبری باستان، به همراه تفکر علمی یونانیان، که همه ابزارهای جادویی برای رستگاری را به‌عنوان خرافات و معصیت باطل کرده بود، در اینجا به پایان منطقی خودش رسید. پیوریتن‌های اصیل حتی تشریفات مذهبی کفن و دفن را کنار گذاشتند و عزیزترین افراد خانواده خود را بدون مراسم مذهبی دفن می‌کردند تا مبادا خرافات و اعتقادات جادویی در ایمان آنها رخنه کند؛ به بیان دیگر، از نظر وبر، مهم‌ترین مصداق عقلانی شدن معرفت، علم جدید و قرارگرفتن تبیین علمی و عقلی به جای تبیین‌های اسطوره‌ای است؛ یعنی نظام‌مندکردن جهان‌بینی‌ها و اسلوب‌بندی عقاید و باورهای مذهبی و رد و انکار افسانه و خرافات و موهومات (وبر، ۱۳۷۳: ۹۳).

#### امنیت روانی

مازلو<sup>۲</sup> (۱۳۶۶) تأکید می‌کند که هر یک از نیازهای عاطفی،

<sup>۱</sup> Weber

<sup>۲</sup> Maslow



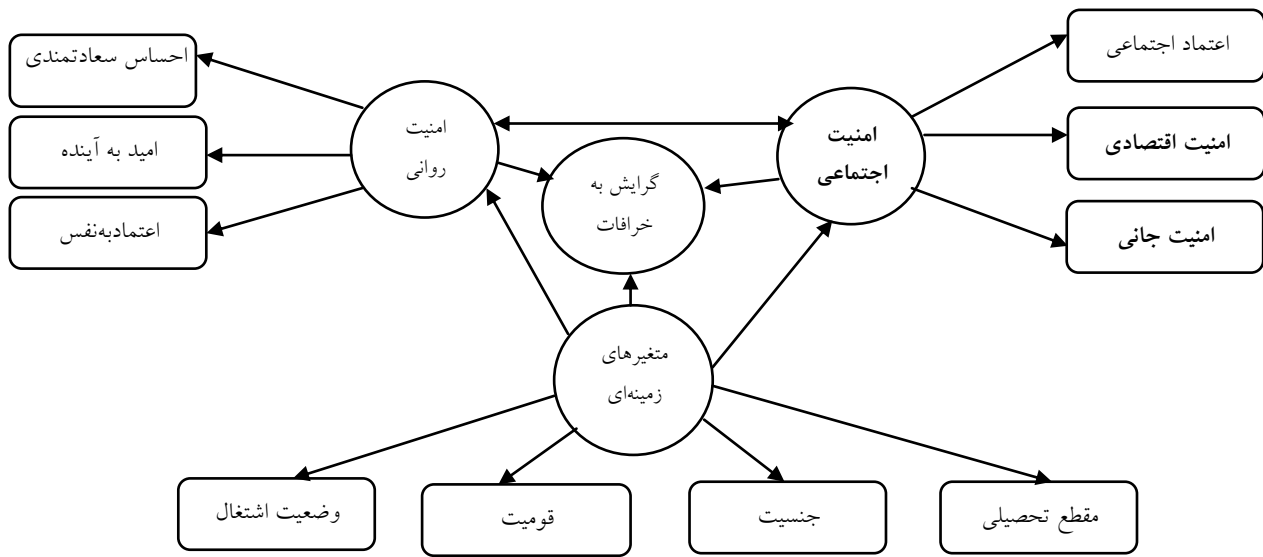
نظر می‌رسد، این نشانگان با بقای نهادهای اجتماعی، رابطه دارد. همچنین، این نشانگان با سطوح اقتصادی یک کشور، ارتباط نزدیک دارند و کشورهای توسعه‌یافته از لحاظ رضایت اجتماعی، اعتماد به یکدیگر و دیگر عناصر این نشانگان، در جایگاه بسیار معتبری هستند. (Inglehart, 1999: 88)؛ پس بنا بر نظر اینگلهارت، با افزایش امنیت اجتماعی، ارزش‌های سنتی (که خرافات را نیز می‌توان جزئی از این ارزش‌ها دانست)، رنگ می‌بازد و جای خود را به ارزش‌های عقلانی می‌دهد. از میان مؤلفه‌هایی که اینگلهارت، عامل احساس امنیت اجتماعی می‌داند، به امنیت اقتصادی، امنیت جانی و میزان رضایت و اعتماد اجتماعی می‌توان اشاره کرد که در این پژوهش به‌عنوان مؤلفه‌های متغیر امنیت اجتماعی استفاده شده‌اند.

با توجه به توضیحات مذکور، احساس ناامنی روانی و اجتماعی به بروز کنش‌های غیرمنطقی افراد در پاسخ به ناکامی‌های خود منجر می‌شود و گرایش به خرافات از جمله کنش‌های سنتی و غیرمنطقی بارز در جوامعی است که احساس ناامنی روانی و اجتماعی در آنها بسیار زیاد است. در واقع، میان این دو متغیر، همواره، رابطه‌ای مستقیم وجود دارد و با افزایش هر کدام، دیگری نیز افزایش می‌یابد. همچنین عکس این قضیه نیز حاکم است؛ در نتیجه، همانگونه که اینگلهارت بیان می‌کند، از عوامل تأثیرگذار بر کاهش برخی ارزش‌های سنتی، که همانا خرافات نیز جز آن است، افزایش احساس امنیت اجتماعی است. از نظر مازلو نیز رفع نیازهایی همچون امنیت روانی و اجتماعی بر افکار، باورها، رفتار و نظام ارزشی انسان -از جمله گرایش به خرافات- تأثیرگذار است (زارع شاه‌آبادی و ترکان، ۱۳۹۴: ۱۱۱ و ۱۱۲). با توجه به نظریه‌های مطرح‌شده، مدل نظری پژوهش به صورت ذیل ترسیم می‌شود:

و احساس شکست و ترس و خشم به دنبال داشته است. بشر، توانایی توجیه علمی و منطقی هیچ‌کدام از این مسائل را نداشته است؛ بنابراین به خرافات و اعتقادات رو آورده است تا از اضطراب و تشویش درونی رها شود و تسکین خاطر پیدا کند. با توجه به مؤلفه‌های احساس امنیت روانی از نظر مازلو، در این پژوهش، مؤلفه‌های احساس سعادت‌مندی، اعتماد به نفس و امید به آینده استخراج شدند.

### امنیت اجتماعی

از نظر اینگلهارت، اندیشه مهم امنیت، سوای ماهیت خاص خطرها، اندیشه‌ای است که به صورت گسترده برای سعادت انسان مهم تشخیص داده شده و امنیت اجتماعی و روانی، لازم و ملزوم رشد و توسعه هر جامعه‌ای است. همچنین، توسعه اجتماعی به‌طور مستقیم، بر حس امنیت شخصی افراد تأثیر می‌گذارد (Inglehart, 2016: 10). وی با بررسی رابطه امنیت اقتصادی و جانی، عوامل مؤثر بر کاهش ارزش‌های سنتی در جوامع پیشرفته صنعتی را افزایش احساس امنیت اجتماعی می‌داند که ضرورت هنجارهای مطلق را کم‌رنگ می‌کند. افراد تحت فشارهای روانی به مقررات پیش‌بینی‌پذیر و خشک نیاز دارند که از آنچه روی می‌دهد، اطمینان حاصل کنند؛ زیرا در خطر هستند و فاصله‌شان تا خطا کم است (اینگلهارت، به نقل از زارع شاه‌آبادی و ترکان، ۱۳۹۴: ۱۱۱ و ۱۱۲). همچنین از نظر اینگلهارت، سطوح نسبتاً کم رضایت و اعتماد موجب می‌شود شخص به احتمال زیاد، نظام ساختار موجود را نپذیرد و دچار حالت آنومی یا بیگانگی اجتماعی بشود. رضایت از زندگی، رضایت اجتماعی، فضای باز ارتباطات اجتماعی، حمایت از نظم اجتماعی موجود و درنهایت، اعتماد به یکدیگر، که همگی به هم وابسته هستند، نشانه‌های نگرش‌های مثبت به جهانی را تشکیل می‌دهند که شخص در آن زندگی می‌کند. جالب‌تر از همه، این واقعیت است که به



شکل ۱- مدل نظری پژوهش

**روش شناسی پژوهش**

روش پژوهش حاضر، پیمایش از نوع همبستگی بوده است. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دانشگاه اصفهان از تمامی رشته‌ها و هر سه مقطع تحصیلی (کارشناسی، ارشد و دکترا) است. نمونه مدنظر به شیوه سهمیه‌ای از میان ۱۴ دانشکده ادبیات (با ۱۷۹۹ نفر دانشجوی)، تربیت بدنی (۴۷۳ نفر)، علوم تربیتی (۱۷۰۸)، زبان (۱۴۰۹)، علوم (۲۱۳۶)، اقتصاد (۲۱۹۰)، فنی - مهندسی (۱۸۸۴)، اهل بیت (۱۸۵) و موارد دیگر انتخاب شده‌اند. ملاک سهمیه‌بندی نیز براساس جنسیت و مقطع تحصیلی است که جزییات آن در جدول ذیل آمده است:

جدول ۲- سهمیه‌بندی براساس جنسیت و مقطع تحصیلی

جنسیت	مقطع تحصیلی	تعداد
زن	کارشناسی	۵۷۴۴
مرد	کارشناسی	۳۸۵۷
زن	کارشناسی ارشد	۱۹۸۷
مرد	کارشناسی ارشد	۱۶۱۱
زن	دکترا	۵۴۷
مرد	دکترا	۵۷۷

حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران به دست آمده

همانگونه که در مدل مشخص شده است، بین ابعاد مختلف امنیت روانی (احساس سعادتمندی، امید به آینده و اعتماد به نفس) با گرایش به خرافات و همچنین ابعاد امنیت اجتماعی (اعتماد اجتماعی، امنیت اقتصادی و امنیت جانی) با گرایش به خرافات، ارتباط نشان داده شده است. متغیرهای زمینه‌ای نیز به عنوان متغیرهای پایه‌ای و تأثیرگذار بر متغیر وابسته آورده شده‌اند.

**فرضیه‌های پژوهش**

**فرضیه کلی**

بین احساس امنیت روانی و اجتماعی و میزان گرایش به خرافات، رابطه وجود دارد.

**فرضیه‌های فرعی**

۱. بین احساس امنیت روانی و گرایش به خرافات در هر گروه از متغیرهای زمینه‌ای (جنسیت، اشتغال، تحصیلات و قومیت) تفاوت وجود دارد.
۲. بین احساس امنیت اجتماعی و گرایش به خرافات در هر گروه از متغیرهای زمینه‌ای (جنسیت، اشتغال، تحصیلات و قومیت) تفاوت وجود دارد.

است. برای تعیین روایی پرسشنامه از اعتبار محتوا و برای تعیین پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. در پایان، پرسشنامه‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شدند. هر کدام از گویه‌ها با طیف لیکرت کاملاً موافقم (۵)، موافقم (۴)، تا حدودی (۳)، مخالفم (۲) و کاملاً مخالفم (۱) سنجیده شده است.

است و برابر با ۳۷۵ نفر است و بر همین اساس، ۴۰۰ پرسشنامه توزیع و در نهایت، ۳۷۹ پرسشنامه گردآوری شد.

$$n = \frac{\frac{z^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left( \frac{z^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

$$n = \frac{\frac{1.96^2 \times 210 \times 165}{0.05^2}}{1 + \frac{1}{14375} \left( \frac{1.96^2 \times 210 \times 165}{0.05^2} - 1 \right)} = 375$$

روش گردآوری داده‌ها، پرسشنامه محقق‌ساخته بوده

جدول ۳- ضرایب آلفای کرونباخ

متغیرها/ مؤلفه‌ها	تعداد گویه	مقدار آلفای کرونباخ	بار عاملی KMO	آزمون بارتلت	درجه آزادی	احتمال معناداری
امنیت روانی	۱۵	۰,۷۷۱	۰,۶۷۴	۷۰۲,۵	۳۲۴	۰,۰۰۱
امنیت اجتماعی	۱۴	۰,۷۴۵	۰,۶۵۴	۶۹۹,۳	۳۴۲	۰,۰۲۱
گرایش به خرافات	۱۳	۰,۷۶۶	۰,۶۶۱	۶۸۹,۵	۲۴۵	۰,۰۳۵
احساس سعادت‌مندی	۶	۰,۷۹۸	۰,۶۹۵	۶۸۷,۴	۹۱	۰,۰۰۱
امید به آینده	۳	۰,۷۴۳	۰,۶۴۶	۷۰۶,۶	۱۰۲	۰,۰۲۲
اعتماد به نفس	۶	۰,۷۷۲	۰,۶۸۲	۷۱۲,۵	۱۰۵	۰,۰۰۱
اعتماد اجتماعی	۸	۰,۷۵۶	۰,۶۷۵	۶۸۴,۸	۹۸	۰,۰۰۲
امنیت اقتصادی	۴	۰,۷۳۱	۰,۶۴۱	۷۰۴,۵	۲۰۱	۰,۰۲۷
امنیت جانی	۲	۰,۷۴۷	۰,۶۵۴	۷۱۱,۴	۹۰	۰,۰۲۵

می‌شود، تفکیک عامل‌ها به درستی انجام شده است و پرسش‌های مندرج در هر عامل، با همدیگر همبستگی دارند. به‌طور خلاصه، عامل‌های استخراج‌شده در این مطالعه، با انتظارات نظری پژوهشگر، منطبق است و گویه‌ها با بار عاملی مناسب از لحاظ نظری و تجربی، تأیید می‌شوند.

#### متغیرهای پژوهش

در جدول ذیل به تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش توجه شده است که به همراه گویه‌ها در این جدول تنظیم شده‌اند:

با توجه به نتایج جدول، مقدار آزمون KMO برای متغیر وابسته برابر با (۰,۶۶۱) به دست آمد که بین صفر تا یک است و هرچقدر به یک نزدیک‌تر باشد، به همان مقدار، پایایی نمونه بیشتر است. نتیجه آزمون بارتلت برابر با (۶۸۹,۵) در سطح خطای (۰,۰۳۵) به دست آمده است. برای متغیر مستقل احساس امنیت روانی، مقدار آزمون KMO برابر با (۰,۶۷۴) است و مقدار آزمون بارتلت، برابر با (۷۰۲,۵) سطح خطای (۰,۰۰۱) به دست آمده است. همچنین برای متغیر مستقل احساس امنیت اجتماعی مقدار آزمون KMO برابر با (۰,۶۵۴) است و مقدار آزمون بارتلت، برابر با (۶۹۹,۳) سطح خطای (۰,۰۲۱) به دست آمده است. همچنین هر کدام از مؤلفه‌ها با سطح خطای کمتر از ۰,۰۵، معنادار هستند و نتیجه گرفته

جدول ۴- تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای پژوهش

متغیر / مؤلفه	تعریف مفهومی	تعریف عملیاتی	مؤلفه‌ها	گویه‌ها
احساس امنیت روانی	امنیت روانی، حالتی از احساس آرامش درونی انسان است که «به افراد توانایی می‌دهد تا بر راهکارهای مشکلات متمرکز شوند» (شمس و خلیجیان، ۱۳۹۲: ۳۷).	میزان احساس امنیت روانی با سنجش ابعاد احساس سعادتمندی، امید به آینده، اعتماد به نفس و چگونگی ارتباط با دیگران سنجیده می‌شود.	احساس سعادتمندی	تاکنون زندگی برایم منصفانه رقم خورده است. در کار و حرفه یا تحصیل خود موفق بوده‌ام. در زندگی‌ام، احساس خوشبختی می‌کنم. در زندگی به اندازه کافی از من قدردانی شده است. همواره احساس سلامت و نیرو می‌کنم. احساس می‌کنم، زندگی باری پر مشقت است. به آینده امیدوارم و می‌توانم از پس مسیر زندگی و سختی‌هایش، به خوبی برآیم. معمولاً به مسائل خوش بین هستم. نگرانی درباره آینده، ذهن مرا مشغول کرده است.
احساس امنیت اجتماعی	امنیت اجتماعی، نگران تهدیداتی است که به هویت جامعه، تعرض می‌کند (روی؛ ۱۳۸۲: ۶۹۳)؛ یعنی درباره تهدیدات و آسیب‌پذیری‌هایی است که بر الگوهای هویت اجتماعی و فرهنگ اثر می‌گذارد (Buzan, 1991: 447) و به بقای گروه‌های اجتماعی توجه دارد (روی، ۱۳۸۲: ۶۱).	امنیت اجتماعی با اعتماد اجتماعی، امنیت جانی و امنیت اقتصادی سنجیده می‌شود.	اعتماد به نفس	احساس می‌کنم دنیا با من عادلانه رفتار نکرده است. معمولاً احساس می‌کنم چیزی بر وفق مراد نیست. اغلب مواقع، احساس بی‌تابی می‌کنم. همواره، احساس اعتماد به نفس می‌کنم. همیشه در محیط‌های جدید و کنار افراد جدید، راحت می‌توانم ارتباط برقرار کنم و با دیگران به خوبی کنار می‌آیم.
احساس امنیت اجتماعی	امنیت اجتماعی، نگران تهدیداتی است که به هویت جامعه، تعرض می‌کند (روی؛ ۱۳۸۲: ۶۹۳)؛ یعنی درباره تهدیدات و آسیب‌پذیری‌هایی است که بر الگوهای هویت اجتماعی و فرهنگ اثر می‌گذارد (Buzan, 1991: 447) و به بقای گروه‌های اجتماعی توجه دارد (روی، ۱۳۸۲: ۶۱).	امنیت اجتماعی با اعتماد اجتماعی، امنیت جانی و امنیت اقتصادی سنجیده می‌شود.	اعتماد اجتماعی	برای امنیت بیشتر، از ساعت ۱۰ شب به بعد بیرون نمی‌روم. ماشین‌های مسافرکش شخصی، امنیت لازم را برای تردد ندارند. بهرتر است از دوستی با افراد غریبه خودداری کرد. برای شرکت کردن در تجمعات شلوغ همگانی مانند جشن‌های خیابانی، راهپیمایی‌ها، اعتراضات و غیره، احساس ناامنی می‌کنم. معمولاً در گفتن رازهای زندگی‌ام به دوستان، آشنایان و همکاران اعتماد می‌کنم. معتقدم در روابط با افراد نباید زیاد سخت گرفت و با دوستان، همکاران و آشنایان، ارتباط صمیمی و رفت‌وآمد برقرار کرد. در سپردن بچه‌ها و یا منزل موقع مسافرت و... به همسایه‌ها اعتماد می‌کنم. همسایه‌های خود را قابل اعتماد می‌دانم. در معامله با مردم و بی‌شیله پوله‌بودن آنها اعتماد دارم. از حمل مقدار زیادی پول نقد و جواهرات، خودداری می‌کنم. در قرض دادن پول یا یکی از وسایل منزل به همسایه‌ها اطمینان چندانی ندارم. اعتماد چندانی به صداقت تبلیغ‌کنندگان کالاها ندارم. به نیروهای قضایی و پلیسی نسبت به برخورد قاطعانه با مجرمان، اعتماد دارم. در جامعه احساس امنیت جانی دارم.

<sup>1</sup> Ruy

متغیر / مؤلفه	تعریف مفهومی	تعریف عملیاتی	مؤلفه‌ها	گویه‌ها
گرایش به خرافات	باورها و گزاره‌هایی راجع به ماهیت نیروهای حاکم بر انسان، طبیعت و هستی است که در نظام تفکر و در مناسک و آیین‌های جمعی و در اعمال و سبک زندگی روزمره خود را نشان می‌دهد (ربیعی، ۱۳۹۱: ۸۸).	میزان گرایش افراد به باورهای خرافی در کارهای روزمره	اسپند دودکردن یا شکستن تخم‌مرغ در دفع چشم‌زخم، تأثیر دارد. انداختن سفره در رفع بلا تأثیرگذارند. بعد از عطسه‌کردن، نیاز به صبر در انجام کار هست. گاهی اوقات، شیاطین یا اجنه روح افراد را تسخیر می‌کنند. آبریزختن پشت سر مسافر، برای سالم‌برگشتنشان، خوب است. استخاره‌گرفتن در انجام امور، یاری‌رسان هستند. بعضی‌ها با کف‌بینی، قدرت خواندن شخصیت، گذشته و آینده افراد را دارند. شانس در زندگی، نقش بسیار مهمی دارد. بعضی روزها بدیمن و بعضی از روزها خوش‌یمن‌اند. شخصیت افراد به طالع ماه تولدشان بسیار نزدیک است. قسمت هر کس از قبل، تعیین شده است. هر اتفاقی در زندگی انسان از کارهایی است که وی انجام می‌دهد و ربطی به خوش شانس و بدشانسی ندارد. بخت و اقبال هر کس در دست خودش و بسته به تلاشش است.	

یافته‌های پژوهش  
 بخش توصیفی: تعداد و درصد فراوانی دانشجویانی که در این پژوهش شرکت کرده‌اند، به تفکیک جنسیت، مقطع، قومیت و وضعیت اشتغال در جدول ذیل آمده است.

جدول ۵- تعداد پاسخگویان به تفکیک جنسیت، مقطع، قومیت و وضعیت اشتغال

فرآوانی	درصد فراوانی	فرآوانی	درصد فراوانی
۲۴۲	۶۴٫۶٪	۲۱۰	۵۶٪
۵۰	۱۳٫۵٪	۱۶۵	۴۴٪
۳۷	۹٫۹٪	۲۳۵	۶۲٫۹٪
۱۷	۴٫۷٪	۱۰۹	۲۹٫۱٪
۱۵	۴٪	۳۰	۸٫۰٪
۲۲	۶٫۱٪	۵۶	۱۵٪
		۳۱۹	۸۵٪

با توجه به جدول مذکور، بیشترین پاسخگویان را دانشجویان مقطع کارشناسی، افراد بیکار و قومیت فارس تشکیل می‌دهند.

جدول ۶- توزیع درصد فراوانی پاسخگویان برحسب مؤلفه های متغیر وابسته و مستقل

مؤلفه	مقادیر	زیاد	تا حدودی	کم	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
گرایش به خرافات	فراوانی درصد	۱۰۲ ۲۷,۲٪	۱۷۸ ۴۷,۴۶٪	۹۵ ۲۵,۳۴٪	۴۱,۲۱	۲,۲۱	۱۳	۶۵
امنیت روانی	فراوانی درصد	۸۳ ۲۲,۱۳٪	۱۹۵ ۵۲٪	۹۷ ۲۵,۸۷٪	۲۸,۰۳	۱,۷	۱۵	۷۵
امنیت اجتماعی	فراوانی درصد	۸۸ ۲۳,۴۶٪	۲۰۱ ۵۳,۶٪	۸۶ ۲۲,۹۴٪	۳۴,۵۶	۱,۴۴	۱۴	۷۰
احساس سعادت‌مندی	فراوانی درصد	۱۰۸ ۲۸,۸٪	۱۶۹ ۴۵,۰۶٪	۹۸ ۲۶,۱۳٪	۱۹,۹۳	۱,۹۳	۶	۳۰
امید به آینده	فراوانی درصد	۹۳ ۲۴,۸٪	۱۶۵ ۴۴٪	۱۱۷ ۳۱,۲٪	۷,۹۸	-۱,۰۲	۳	۱۵
اعتماد به نفس	فراوانی درصد	۱۰۱ ۲۶,۹۳٪	۱۹۱ ۵۰,۹۳٪	۸۳ ۲۲,۱۳٪	۱۸,۷۶	۰,۷۶	۶	۳۰
اعتماد اجتماعی	فراوانی درصد	۸۹ ۲۳,۷۳٪	۱۹۹ ۵۳,۰۶٪	۸۷ ۲۳,۲٪	۲۰,۰۳	۰,۰۳	۸	۴۰
امنیت اقتصادی	فراوانی درصد	۹۵ ۲۵,۳۴٪	۱۰۲ ۲۷,۲٪	۱۷۸ ۴۷,۴۶٪	۸,۷۳	-۳,۲۷	۴	۲۰
امنیت جانی	فراوانی درصد	۲۲۱ ۵۸,۹۳٪	۱۰۳ ۲۷,۴۶٪	۵۱ ۱۳,۶٪	۸,۹۸	۲,۹۸	۲	۱۰

نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد با توجه به میانگین، بیشتر دانشجویان به میزان متوسط (تاحدودی) به خرافات گرایش دارند. همچنین بیشتر دانشجویان به میزان متوسط (تاحدودی) احساس امنیت روانی می‌کنند. درباره امنیت اجتماعی نیز بیشتر دانشجویان به میزان متوسط (تاحدودی) احساس امنیت اجتماعی دارند. مقایسه احساس امنیت روانی و اجتماعی نشان می‌دهد احساس امنیت اجتماعی، کمی بیشتر از احساس امنیت روانی است. درباره مؤلفه های احساس سعادت‌مندی و

اعتماد به نفس، میانگین به دست آمده، بیشتر از میزان متوسط است؛ اما میانگین امید به آینده، کمتر از حد متوسط است (انحراف معیار ۱,۰۲-؛ یعنی در بین دانشجویان، احساس امید به آینده از دو مؤلفه دیگر، کمتر است. همچنین با توجه به میانگین و انحراف معیار، مؤلفه اعتماد اجتماعی در حد متوسط و امنیت جانی بیشتر از حد متوسط است؛ اما مؤلفه امنیت اقتصادی، کمتر از میانگین متوسط است (انحراف معیار ۳,۲۷-).

جدول ۷- نتایج آزمون مقایسه میانگین میزان احساس امنیت روانی و اجتماعی و گرایش به خرافات برای متغیرهای جنسیت و وضعیت اشتغال

متغیرها	مقوله	احساس امنیت روانی			احساس امنیت اجتماعی			گرایش به خرافات		
		میانگین	t	sig	میانگین	t	Sig	میانگین	T	sig
جنسیت	زن	۲۳,۹۸	۸,۱	۰,۰۰	۲۸,۴۵	۱۲,۲۲	۰,۰۰	۵۳,۲۱	۸,۳۸	۰,۰۰
	مرد	۳۲,۰۸			۴۰,۶۷			۴۴,۸۳		
وضعیت اشتغال	شاغل	۳۵,۲۳			۳۹,۲	۹,۲۸	۰,۰۰	۳۴,۶۵		
	بیکار	۲۰,۸۳	۱۴,۴	۰,۰۱	۲۹,۹۲			۴۴,۳۲	۹,۶۷	۰,۰۰

با توجه به جدول ۷، میانگین احساس امنیت روانی برای پسران بیشتر از دختران است و میزان احساس امنیت اجتماعی بین دانشجویان پسر بیشتر از دختران است. میانگین گرایش به خرافات نیز برای دختران بیشتر از پسران است؛ یعنی دختران،

گرایش بیشتری به خرافات دارند. درباره وضعیت اشتغال، افراد شاغل، احساس امنیت روانی و احساس امنیت بیشتری در مقایسه با افراد بیکار دارند و گرایش افراد بیکار به خرافات، بیشتر از افراد شاغل است.

جدول ۸- نتایج آزمون تحلیل واریانس میزان احساس امنیت روانی و اجتماعی و میزان گرایش به خرافات برای متغیرهای مقطع و قومیت

متغیرها	مقوله	احساس امنیت روانی			احساس امنیت اجتماعی			گرایش به خرافات		
		میانگین	F	Sig	میانگین	F	Sig	میانگین	F	sig
مقطع تحصیلی	کارشناسی	۲۵,۵۴			۳۳,۵۱			۵۰,۶۳		
	ارشد	۳۰,۸۷	۴,۴۱	۰,۰۱	۳۵,۵۴	۳,۲۴	۰,۰۶	۴۰,۵۶	۶,۳۳	۰,۰۰
قومیت	دکترا	۳۳,۹۸			۳۷,۱۲			۳۲,۱۸		
	فارس	۳۲,۵۶			۳۸,۶۴			۴۹,۷۸		
	ترک	۲۹,۶۷	۱,۹۴	۰,۰۲	۳۰,۲۳	۵,۸۶	۰,۰۲	۵۳,۴۳	۳,۰۹	۰,۰۱
	لر	۲۶,۹۳			۲۷,۴۷			۵۸,۵۶		

با توجه به جدول ۸ میزان گرایش به خرافات در دانشجویان مقطع کارشناسی، بیشتر از سایر دانشجویان و در قومیت لر و ترک بیشتر از فارس است. همچنین میزان احساس امنیت روانی در مقطع دکترا و قومیت فارس، بیشتر

از سایر افراد است. امنیت اجتماعی در قوم فارس، بیشتر از سایر اقوام است و درباره امنیت اجتماعی مقاطع تحصیلی با توجه به (sig=0.06) تفاوت معنی داری بین مقاطع مختلف وجود ندارد.

جدول ۹- شدت رابطه و سطح معناداری بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته

متغیر / مؤلفه مستقل	متغیر وابسته	شدت رابطه	سطح معناداری	نوع آزمون همبستگی	نوع رابطه
احساس امنیت روانی		-۰,۳۱۷	۰,۰۱	پیرسون	مستقیم و معکوس
احساس امنیت اجتماعی		-۰,۱۴۵	۰,۰۱	پیرسون	مستقیم و معکوس
جنسیت	میزان گرایش به	۰,۳۶۰	۰,۰۳	آزمون t	غیرمستقیم
قومیت	خرافات	۴,۰۳۱	۰,۰۲۱	آزمون F	غیرمستقیم
اشتغال		۰,۲۳۲	۰,۰۳	آزمون t	غیرمستقیم
مقطع تحصیلی		۵,۷۱	۰,۱۲۶	آزمون F	غیرمستقیم

مستقل باید بر متغیر وابسته تأثیر داشته باشند. متغیر میانجی باید بر متغیر وابسته در رگرسیون از متغیرهای مستقل و متغیر میانجی بر متغیر وابسته تأثیر داشته باشد (Baron & Kenny, 1986).

در ابتدای تحلیل داده‌ها، اثر کل یعنی رابطه امنیت روانی و امنیت اجتماعی با میزان گرایش به خرافات محاسبه شد. نتیجه نشان می‌دهد این رابطه با ضریب  $-0,253$  و سطح معنی داری ۹۹ درصد معنی دار است؛ یعنی با افزایش امنیت روانی و امنیت اجتماعی، میزان گرایش به خرافات کاهش می‌یابد؛ به بیان دیگر، افرادی که احساس امنیت بیشتری دارند، کمتر به خرافات گرایش پیدا می‌کنند و به باورهای خرافی اعتقادی ندارند.

جدول ۱۰- رابطه متغیرهای احساس امنیت روانی و امنیت اجتماعی و گرایش به خرافات

P	F	R-sq	R
۰,۰۱	۶,۲۷	۰,۰۶	-۰,۲۵۳

در ادامه تحلیل، متغیرهای زمینه‌ای به‌عنوان متغیر میانجی در نظر گرفته می‌شوند. تحلیل میانجی نشان می‌دهد متغیرهای زمینه‌ای (قومیت، جنسیت، اشتغال و مقطع تحصیلی) بر رابطه دو متغیر تأثیر دارد و می‌تواند شدت رابطه را کم و زیاد یا مثبت و منفی کند؛ یعنی میزان رابطه احساس امنیت و میزان گرایش به خرافات با ورود متغیرهایی مانند جنسیت و قومیت تغییر می‌کند. مدل میانجی، چگونگی یا چرایی رابطه دو متغیر

با توجه به جدول ۹، رابطه متغیرهای مستقل با متغیر به صورت جداگانه آمده است. رابطه امنیت روانی با گرایش به خرافات با شدت  $(-0,317)$ ، و رابطه امنیت اجتماعی با خرافات با شدت  $(-0,145)$  تأیید می‌شود، این روابط به‌صورت مستقیم و معکوس است؛ به این صورت که امنیت روانی و امنیت اجتماعی، به‌طور مستقیم بر گرایش به خرافات اثر می‌گذارد؛ ولی این اثر، منفی است؛ یعنی هرچه میزان امنیت روانی و امنیت اجتماعی افزایش پیدا کند، میزان گرایش به خرافات کاهش می‌یابد.

رابطه متغیرهای زمینه‌ای (جنسیت، قومیت، اشتغال و مقطع تحصیلی) بر گرایش به خرافات نیز غیرمستقیم است. متغیرهای زمینه‌ای در این پژوهش، متغیر میانجی در نظر گرفته شده‌اند. جنسیت با شدت  $(0,360)$  و اشتغال با شدت  $(0,232)$  بر میزان گرایش به خرافات مؤثر است. رابطه قومیت و مقطع تحصیلی با گرایش به خرافات با سطح معنی داری  $(0,21)$  و  $(0,126)$ ، تأیید نشد.

### آمار استنباطی

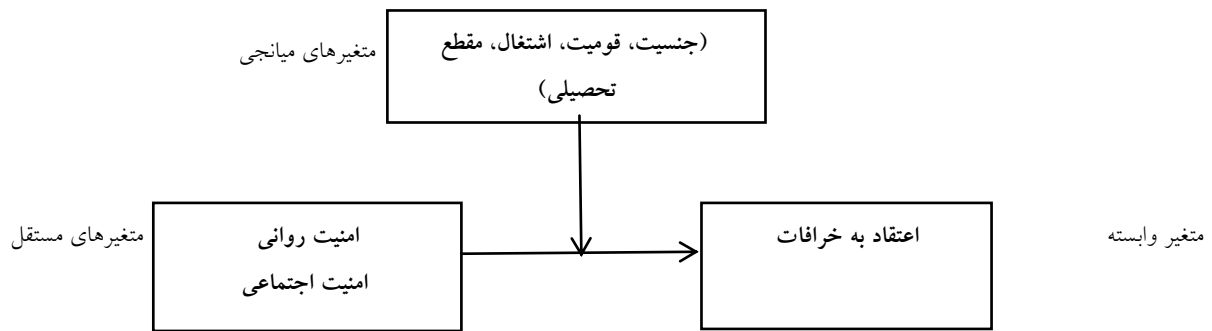
برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از تحلیل میانجی در برنامه پروسس (process) نرم‌افزار spss استفاده شده است. در بیشتر پژوهش‌ها برای آزمون اثر میانجی متغیرها از رویکرد بارون و کنی استفاده می‌کنند. براساس رویکرد بارون و کنی، متغیرهای

<sup>1</sup> Moderation Analysis



مطرح می‌شود؛ بنابراین باید آثار مستقیم، غیرمستقیم و اثر کل بررسی شوند. متغیر میانجی، متغیری است که برای رابطه متغیر پیش‌بین و ملاک، دلیل ارائه می‌کند (Baron and Kenny, 1986:1176).

را توصیف می‌کند. در این مدل، فرض بر این است که متغیر میانجی به‌عنوان رابط متغیر مستقل یا پیش‌بین و متغیر وابسته یا ملاک قرار می‌گیرد و بر رابطه متغیرهای مستقل و وابسته اثر می‌گذارد. با ورود متغیر میانجی به مدل، اثر غیرمستقیم



شکل ۲- مدل پژوهش با توجه به متغیر میانجی

گرایش به خرافات در زنان و مردان متفاوت است) تأیید می‌شود. به این ترتیب، برای سایر متغیرهای میانجی آزمون انجام می‌شود تا فرضیه‌ها رد یا تأیید شود. جنسیت را متغیر میانجی در نظر می‌گیریم. تحلیل داده‌ها در برنامه پروسس، جدول ذیل را نشان می‌دهد.

یکی از شرط‌های تأیید میانجی بودن متغیر، این است که رابطه متغیر مستقل و متغیر میانجی معنادار باشد؛ یعنی اگر رابطه احساس امنیت روانی و جنسیت، معنادار باشد، جنسیت، متغیر میانجی در نظر گرفته می‌شود که در این صورت، فرضیه (رابطه احساس امنیت روانی و امنیت اجتماعی و میزان

جدول ۱۱- اثر متغیرهای تعاملی جنسیت با امنیت روانی و اجتماعی

متغیر	ضریب غیراستاندارد (coeff)	t	p	متغیر	Effect	t	P
جنسیت	۱۲,۶۷	۲,۱۴۷	۰,۰۳	زن	۵,۰۱۴	۳,۰۳۵	۰,۰۰۱
امنیت روانی	۵,۰۱	۳,۳۵۷	۰,۰۰۱				
امنیت اجتماعی	۶,۶۴	۴,۳۲	۰,۰۰	مرد	۲,۰۳۷	۱,۴۵	۰,۰۰۰
int-1 اثر متغیر تعاملی جنسیت و امنیت	-۲,۶۳	-۱,۱۸	۰,۰۳				

و امنیت اجتماعی با گرایش به خرافات در زنان و مردان، رابطه معنی‌دار را نشان می‌دهد و این رابطه در زنان، قوی‌تر است.

متغیر قومیت را متغیر میانجی در نظر می‌گیریم که نتایج تحلیل در جدول ذیل آمده است.

با توجه به جدول، اثر متغیرهای تعاملی جنسیت و امنیت روانی و اجتماعی، رابطه معناداری ( $p < 0.05$ ) را نشان می‌دهد؛ بنابراین، متغیر جنسیت به‌عنوان متغیر میانجی تأیید می‌شود و نشان می‌دهد رابطه امنیت و خرافات در بین زنان و مردان، متفاوت است. همچنین مقدار t برای زنان، برابر با ۳,۰۳۵ و در مردان، برابر با ۱,۴۵ است. بر این اساس، رابطه امنیت روانی

جدول ۱۲- اثر تعاملی متغیر قومیت با احساس امنیت روانی و اجتماعی

متغیر	ضریب غیراستاندارد (coeff)	T	P	متغیر	effect	T	p
قومیت	۳,۶۹	۴,۰۳	۰,۰۰	لر	۷,۸۸	۵,۳۴	۰,۰۲
امنیت روانی	-۱,۵۶	-۲,۵۰	۰,۰۰۱	ترک	۵,۴۳	۳,۱۰	۰,۰۰
امنیت اجتماعی	-۲,۳۱	-۲,۳۴	۰,۰۱	فارس	۳,۸۹	۱,۷۲	۰,۰۰
int-1 اثر متغیر تعاملی جنسیت و امنیت	۲,۸۷	۲,۱۳	۰,۰۲	سایر	-۶,۴۳	۳,۳۲	۰,۲۹

با توجه به جدول، اثر متغیرهای تعاملی قومیت و امنیت روانی و اجتماعی، رابطه معناداری ( $p < 0.05$ ) را نشان می دهد؛ بنابراین، متغیر قومیت به عنوان متغیر میانجی تأیید می شود و نشان می دهد رابطه امنیت روانی و اجتماعی و خرافات در بین قومیت های مختلف متفاوت است. در قوم لر، رابطه امنیت و گرایش به خرافات با میزان  $t (5,34)$  و با ۹۵ درصد، اطمینان تأیید شد. بعد از آن، در قوم ترک، این رابطه با میزان  $t (3,10)$  و در قوم فارس، این رابطه با میزان  $t (1,72)$  و با ۹۵ درصد

اطمینان تأیید شد. درباره سایر قومیت ها این رابطه تأیید نشد؛ بنابراین، رابطه احساس امنیت روانی و اجتماعی و گرایش به خرافات در قومیت های مختلف، متفاوت است و این رابطه به ترتیب در قومیت های لر، ترک و فارس بیشترین میزان را دارد؛ یعنی در قوم لر، میزان گرایش به خرافات به علت کمتر بودن احساس امنیت روانی و اجتماعی، بیشتر است. متغیر وضعیت اشتغال را متغیر میانجی در نظر می گیریم که نتایج تحلیل در جدول ذیل آمده است.

جدول ۱۳- اثر تعاملی متغیر وضعیت اشتغال با احساس امنیت روانی و اجتماعی

متغیر	ضریب غیراستاندارد (coeff)	t	p	متغیر	effect	t	p
وضعیت اشتغال	۵,۴۹	۸,۷	۰,۰۳	شاغل	۲,۱۲	۱,۹۸	۰,۲۲۳
امنیت روانی	۳,۴۸	۲,۵۳	۰,۰۰				
امنیت اجتماعی	۵,۷۸	۴,۹۵	۰۰/۰	بیکار	۶,۰۹	۵,۷	۰,۰۲
int-1 اثر متغیر تعاملی جنسیت و امنیت	۲,۰۷	۶,۶	۰,۰۲				

با توجه به جدول، اثر متغیرهای تعاملی اشتغال و امنیت روانی و اجتماعی، رابطه معناداری ( $p < 0.05$ ) را نشان می دهد؛ بنابراین، متغیر اشتغال به عنوان متغیر میانجی تأیید می شود و نشان می دهد رابطه امنیت روانی و اجتماعی و خرافات در بین افراد شاغل و بیکار متفاوت است. رابطه امنیت روانی و گرایش به خرافات در افراد بیکار با میزان  $t (5,7)$  و حداقل ۹۵ درصد اطمینان تأیید شد؛ اما این رابطه درباره افراد شاغل تأیید نشد که نشان دهنده تفاوت این رابطه در افراد شاغل و

بیکار است در افراد بیکار به علت کمتر بودن احساس امنیت روانی و اجتماعی، میزان گرایش به خرافات بیشتر است؛ اما در افراد شاغل، میزان گرایش به خرافات، رابطه ای با احساس امنیت روانی و اجتماعی آنها ندارد و ممکن است عوامل دیگری باعث افزایش گرایش به خرافات باشد. متغیر مقطع تحصیلی را متغیر میانجی در نظر می گیریم که نتایج تحلیل در جدول ذیل آمده است.

جدول ۱۴- اثر تعاملی متغیر مقطع تحصیلی با احساس امنیت روانی و اجتماعی

متغیر	ضریب غیراستاندارد (coeff)	t	p	effect	t	p
مقطع تحصیلی	۹,۱۳۴	۵,۷۱	۰,۰۴	کارشناسی	۹,۳۵۴	۴,۸۲
امنیت روانی	۵,۰۱۴	۳,۳۵۷	۰,۰۰۰	ارشد	۷,۴۳۲	۲,۱۳
امنیت اجتماعی	۶,۹۱۲	۴,۵۳۲	۰,۰۰۰	دکتری	۲,۹۱۲	۳,۶۵
int-1 اثر متغیر تعاملی مقطع و امنیت	۴,۲۱۳	۲,۳۶۸	۰,۰۲			

کارشناسی نشان می‌دهد و با افزایش یافتن میزان تحصیلات، میزان گرایش به خرافات کاهش می‌یابد.

### نتایج رگرسیون

برای بررسی میزان تأثیر هر یک از متغیرها بر میزان گرایش به خرافات از رگرسیون هم‌زمان (Enter) استفاده شد. تکنیک یا روش رگرسیون هم‌زمان، رویکردی در انتخاب متغیرهاست که در آن از کلیه متغیرهای وارد شده در یک مرحله در تعیین رگرسیون استفاده می‌شود.

با توجه به جدول، اثر متغیرهای تعاملی مقطع تحصیلی و امنیت روانی و اجتماعی، رابطه معناداری ( $p < 0.05$ ) را نشان می‌دهد؛ بنابراین، متغیر مقطع تحصیلی به‌عنوان متغیر میانجی تأیید می‌شود و نشان می‌دهد رابطه امنیت روانی و اجتماعی و گرایش به خرافات در بین مقاطع مختلف تحصیلی، متفاوت است. رابطه امنیت روانی و اجتماعی و گرایش به خرافات درباره مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد به ترتیب با میزان  $t$  ۴,۸۲ و ۲,۱۳ تأیید و در مقطع دکتری با توجه به میزان  $p$  تأیید نشد؛ یعنی تفاوت این رابطه در مقاطع تحصیلی مختلف، متفاوت است و بیشترین گرایش به خرافات را در مقطع

جدول ۱۵- نتایج رگرسیون چندمتغیره به روش هم‌زمان بین متغیرهای مستقل و میزان گرایش به خرافات

R <sup>2</sup>	R	Collinearity statistics		T	ضرایب معیار نشده		ضرایب معیار نشده		متغیرهای مستقل
		VIF	Tolerance		Beta	خطای معیار	B		
0.225	0.475	1.034	0.782	۰,۰۰	۸,۵۶	۰,۱۰۷	۰,۱۲۳	۰,۱۲۹	احساس امنیت روانی
		1.128	0.734	۰,۰۰	۷,۱۲	۰,۱۱۰	۰,۱۶۰	۰,۹۳	احساس امنیت اجتماعی
		1.012	0.845	۰,۰۰	۷,۰۹۶	-۰,۳۳۶	۰,۱۲۶	-۰,۸۹۳	جنسیت
		1.197	0.712	۰,۰۲	۲,۲۹۵	-۰,۱۰۹	۰,۰۹۰	-۰,۲۰۶	وضعیت اشتغال

و وضعیت اشتغال در مدل رگرسیونی باقی مانده است که ضریب همبستگی چندگانه آن با میزان گرایش به خرافات

تحلیل رگرسیون میزان گرایش به خرافات نشان داد چهار متغیر مستقل احساس امنیت روانی، امنیت اجتماعی، جنسیت

۰,۱ یا VIF بزرگتر از ۱۰ باشد، مدل رگرسیونی از مشکل همخطی رنج می برد؛ درحالی که در جدول خروجی SPSS هر دو این شاخص ها نشان دهنده نبود همخطی هستند.

نتایج اصلی رگرسیون نشان می دهد از ستون B به عنوان ضریب برای پیش بینی مقدار Y در معادله رگرسیون استفاده شده است. فرمول عمومی معادله رگرسیون چندگانه عبارت است از:

$$Y = a + (b_1X_1) + (b_2X_2) + \dots + (b_nX_n)$$

بر اساس مقادیر ستون B معادله رگرسیون به شرح ذیل نوشته می شود:

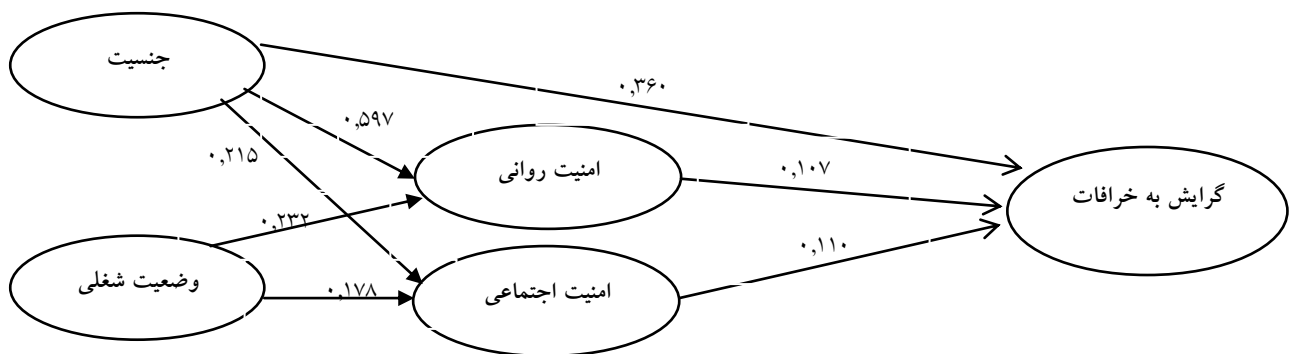
$$Y = 0.107 + (0.110 + (-0.336) + (-0.109)$$

با استفاده از مدل تحلیل مسیر نیز متغیرهای مستقلی که بر مبنای مدل نظری، تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم بر متغیر میزان گرایش به خرافات نداشتند، به ترتیب، محاسبه شدند.

۰,۴۷۵ و ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰,۲۲۵ به دست آمده است. این ضریب نشان می دهد با استفاده از واریانس ترکیب خطی متغیرهای مستقل موجود در معادله رگرسیونی، ۲۲,۵ درصد از واریانس گرایش به خرافات را می توان توضیح داد. همچنین هر ضریبی که Beta بزرگتری دارد، در مدل رگرسیونی از اهمیت بیشتری نیز برخوردار است. به این ترتیب، مشخص می شود متغیر جنسیت (Beta = 0.336) بهترین متغیر برای پیشگویی متغیر وابسته است. بر این اساس، متغیرهای بعدی به ترتیب، احساس امنیت اجتماعی با مقدار (Beta=0.109)، وضعیت اشتغال با مقدار (Beta=0.110)، و امنیت روانی با مقدار (Beta=0.107) است. بقیه تغییرات متغیر میزان گرایش به خرافات به علت پیچیدگی و چندبعدی بودن متغیر وابسته ناشی از تأثیر عوامل دیگری است که در اینجا بررسی نشده اند. اگر مقدار Tolerance یا میزان تحمل از

جدول ۱۶- اثر کل متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته (گرایش به خرافات)

متغیر مستقل	متغیر وابسته	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
امنیت روانی		۰,۱۰۷	-	۰,۱۰۷
امنیت اجتماعی		۰,۱۱۰	-	۰,۱۱۰
جنسیت	گرایش به خرافات	۰,۳۶۰	۰,۵۹۷*۰,۳۶۰=۰,۲۱۵	۰,۳۶۰+۰,۲۱۵=۰,۵۷۵
وضعیت شغلی	گرایش به خرافات	-	۰,۲۳۲+۰,۱۷۸=۰,۳۱	۰,۲۳۲+۰,۱۷۸=۰,۳۱



شکل ۳- مدل تحلیل مسیر

میزان (۰,۳۶۰) اثر مستقیم دارد. متغیر وضعیت شغلی بر امنیت روانی با میزان (۰,۲۳۲) و بر امنیت اجتماعی با میزان (۰,۱۷۸)

متغیر جنسیت با امنیت روانی به میزان (۰,۵۹۷) و امنیت اجتماعی به میزان (۰,۲۱۵) و بر متغیر گرایش به خرافات با

نااطمینانی به آینده، نبود احساس خوشبختی و دیگر ابعاد خرد احساس امنیت روانی و امنیت اجتماعی را داشتند، بیشترین میزان گرایش به خرافات را نیز از خود نشان دادند. همچنین نتایج پژوهش نشان می‌دهند متغیرهای جنسیت، قومیت، وضعیت اشتغال و مقطع تحصیلی به‌عنوان متغیر میانجی تأیید می‌شوند؛ یعنی متغیرهای زمینه‌ای نام‌برده بر رابطه امنیت روانی و اجتماعی و گرایش به خرافات تأثیر می‌گذارند. درباره جنسیت، این رابطه در زنان قوی‌تر است. این یافته پژوهش با نتیجه پژوهش شای‌هونگ (۲۰۰۹)، افشانی (۱۳۸۵)، صفایی (۱۳۸۹) و زارع و عمادی (۱۳۹۴) همسویی دارد. همچنین در این پژوهش مشخص شد قومیت نیز به عنوان متغیر میانجی، نقش تأثیرگذار در گرایش به خرافات دارد که نتیجه پژوهش صفایی و همکاران (۱۳۸۹) و زارع و همکاران (۱۳۹۴) نیز با این نتیجه همسوست. همچنین یافته پژوهش مبنی بر تأثیر احساس امنیت بر گرایش به خرافات نیز با پژوهش صفایی و همکاران مطابقت دارد. متغیر مقطع تحصیلی نیز به‌عنوان متغیر تأثیرگذار نشان داد با افزایش میزان تحصیلات، گرایش به خرافات کاهش می‌یابد و این نتیجه با پژوهش صفایی (۱۳۸۹)، زارع (۱۳۹۰) و ربیعی (۱۳۹۶) همسویی دارد.

اینگلهارت نیز در پردازش نظریه خود بیان می‌کند که نبود احساس امنیت اجتماعی بر میزان ارزش‌ها و کنش‌های سستی افراد می‌افزاید که تحت فشارهای روانی و احساس خطر، این ارزش‌ها و کنش‌های سستی، نمود بیشتری می‌یابند. همچنین، همانگونه که مازلو بیان می‌دارد، چنانچه نیازهای انسان از جمله نیازهای جسمانی، امنیت، عشق، عزت نفس و خودشکوفایی برآورده شوند، تأثیر آنها در باورها، افکار، افعال و کردار دیده می‌شود (زارع شاه‌آبادی و ترکان، ۱۳۹۴: ۱۱۱ و ۱۱۲). بدین ترتیب، گرایش به خرافات، که از ارزش‌ها، کنش‌های سستی و غیرمنطقی هر جامعه‌ای است، تحت فشارهای روانی و در نتیجه، نبود احساس امنیت اجتماعی است که با برآورده نشدن نیازهای افراد، گرایش به خرافات در باورها و رفتارهای آنان افزایش می‌یابد.

اثر مستقیم و بر گرایش به خرافات به میزان (۰,۳۱) اثر غیرمستقیم دارد. متغیر امنیت روانی به میزان (۰,۱۰۷) و متغیر امنیت اجتماعی به میزان (۰,۱۱۰) بر گرایش به خرافات، اثر مستقیم دارند. متغیرهای مقطع تحصیلی و قومیت به‌علت اینکه تأثیر معناداری بر گرایش به خرافات ندارند ( $p > 0/05$ ) از مدل تحلیل مسیر حذف شدند.

### بحث و نتیجه

گرایش به خرافات و حیات آن در عصر حاضر، همواره محل بحث و پژوهش از دیدگاه‌های متفاوت بوده است. در واقع، آنچه موجب اهمیت این موضوع شده است، حیات این باورها در میان قشرهای متفاوت، با اشکال گوناگون در عصری است که با نام‌های چون عصر انفجار اطلاعات، انقلاب‌های علمی، صنعتی و غیره شناخته می‌شود. اگر انسان در بدو تاریخ، به‌علت ناآشنایی با محیط و نبود پیشرفت‌های تکنولوژیکی و غیره برای پاسخ به ناکامی‌ها و احساس ناامنی از محیط زندگی خویش، به خرافات گرایش داشت، در عصر حاضر، این ناامنی، جای خود را به ابعاد دیگری از احساس ناامنی همچون احساس ناامنی اجتماعی، روانی، اقتصادی، فرهنگی و غیره داده است. گرایش به خرافات در بسترهای مختلف و زمینه‌ها و علل گرایش به آن در زمان، مکان و اقشار مختلف به شیوه‌های گوناگون دست‌یافتنی است. با این اوصاف، آنچه در پژوهش اهمیت دارد، مطالعه احساس امنیت روانی و امنیت اجتماعی بر گرایش به خرافات، در میان دانشجویان است که به‌عنوان قشر تحصیل‌کرده هر جامعه‌ای، انتظار کنش‌های منطقی‌تری از آنها می‌رود. بر همین اساس، هدف پژوهش حاضر، آگاهی از میزان گرایش به خرافات در میان دانشجویان و تأثیر احساس امنیت روانی و امنیت اجتماعی بر آنها بوده است.

نتایج نشان می‌دهند متغیر احساس امنیت روانی و اجتماعی با گرایش به خرافات، رابطه معنی‌دار دارد. در واقع، داده‌ها، فرضیه اصلی پژوهش را تأیید می‌کنند؛ یعنی دانشجویانی که کمترین میزان احساس امنیت اقتصادی،

شخصیت و دیدگاه‌های او متفاوت است. گرایش به خرافات از منابعی مانند ابهام موقعیت از جمله موقعیت‌های فردی و اجتماعی شکل می‌گیرد. هنگامی که مقدار تنش و فشار و اضطراب و بی‌اعتمادی اجتماعی افزایش می‌یابد، افراد مستعد دچار تردید و بی‌اختیاری می‌شوند. این موقعیت‌های مبهم دربارهٔ زنان، بیشتر صدق می‌کند؛ به همین علت برای خروج از این تنش و اضطراب به سراغ خرافه می‌روند. همچنین دربارهٔ امنیت روانی، مطالعات زیادی نشان داده‌اند که برخی از مشکلات روانی مانند اضطراب یا مشکلات عاطفی در زنان، بیشتر است؛ به همین علت، آنها برای کاهش بار این مشکلات به سراغ خرافه و رفتارهای خرافی می‌روند. برخی عوامل دیگر را نیز می‌توان از دلایل گرایش به خرافات برشمرد؛ مانند دسترسی نداشتن آسان و ارزان به نیازهای اولیه و فقر در جامعه، تأثیرپذیری از گروه همسالان و دوستان، ضعف باور به اعتقادات مذهبی، ویژگی‌های شخصیتی، احساس نیاز به آرامش و اعتماد به نفس، کنجکاوی‌های هدایت‌نشده، کمبود آموزش و ناآگاهی و القانات برخی رسانه‌ها. اعتقادات خرافی در میان افراد زیادی وجود دارد و هرچه تعداد این افراد بیشتر می‌شود، حرکت منطقی جامعه کندتر می‌شود و هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی بیشتری به جامعه تحمیل می‌کند. اگر خرافات در افراد به باور تبدیل شود، تغییر دادن آن، بسیار سخت است و باعث ایجاد وسواس‌های فکری و عملی می‌شود. همچنین آسیب‌دیدن روابط اجتماعی افراد در جامعه از پیامدهای افزایش گرایش به باورهای خرافی است که افراد را درگیر می‌کند. اعتقاد به خرافه‌ها و عقیده‌های بی‌ریشه و اساس، تأثیرات مخربی بر زندگی انسان بر جای می‌گذارد. زندگی‌های بسیاری براساس عقیده به یک خرافه، دچار بحران شده‌اند و پیوندهای بسیاری با اعتماد به مطلبی بی‌اساس، از هم گسیخته شده است. درحقیقت، گرایش به خرافات در زندگی، مانند آویزان شدن به ریسمانی پوسیده در چاهی تاریک و عمیق است. زیان پاره‌ای از اعتقادات خرافی، فقط به شخص دارندهٔ آن عقیده بازمی‌گردد. بعضی خرافه‌ها، خانواده، بستگان، دوستان و گاه، گروه وسیعی از مردم را

دره‌حال، با توجه به پژوهش حاضر، مطالعهٔ تأثیر احساس امنیت روانی و امنیت اجتماعی بر گرایش به خرافات در بین دانشجویان نشان می‌دهد در شرایط فعلی دانشجویان، با توجه به برخی نابسامانی‌های موجود، احساس امنیت روانی و اجتماعی کمی دارند؛ در نتیجه، گرایش به خرافات در آنها زیاد است. در واقع، گرایش به خرافات، سازوکاری برای تسکین و آرامش افرادی به شمار می‌آید که به آیندهٔ شغلی و به‌طور کلی، زندگی خود اطمینان لازم را ندارند. همچنین، نکتهٔ مهم این است که در بیشتر پژوهش‌ها از جمله پژوهش مذکور، متغیر جنسیت به‌عنوان یک متغیر میانجی، تأثیر بسزایی در گرایش به خرافات دارد. این امر نشان می‌دهد دانشجویان دختر، احساس ناامنی روانی و اجتماعی بیشتری دارند؛ در نتیجه، میزان گرایش آنها به خرافات نیز بیشتر است. باری، اینگلهارت معتقد است با توسعهٔ کشورها از نظر اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و حرکت جامعه از سنتی به مدرن، تغییراتی در ارزش‌ها و سنت‌های آنها به وجود می‌آید و ارزش‌های نوینی با محوریت ارزش‌هایی همچون عقلانیت، اعتماد و سازوکارهای مشارکتی و دموکراتیک پیدا می‌شود. از نظر او، حرکت به سمت چنین ارزش‌های فرامادی‌گرایی، خطی و ساده نیست و غالباً شرایط جوامع در این زمینه دخیل هستند (بابایی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۴۶). در چنین شرایطی، افراد به ابزارهای مختلفی برای افزایش احساس امنیت خود، هرچند کاذب و گذرا باشد، چنگ می‌زنند و از این رهگذر در پی ایجاد حاشیهٔ امنی برای خود هستند.

دره‌حال، گرایش به خرافات در هر قوم و ملتی، جایگاه خاص خود را دارد و هنوز عده‌ای وجود دارند که به خرافات باقی‌مانده از نسل‌های پیش خود پایبند هستند و در فرایند جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری، آنها را به نسل بعد از خود انتقال می‌دهند. در واقع، در ذهن هر انسان، باورهایی است که با هیچ منطق علمی، همخوانی ندارند و اعتقاد به آنها با هیچ توجیه منطقی، درک‌شدنی نیست؛ اما وجود دارند و گاهی در زندگی، کارکردهایی می‌یابند که ممکن است مسیر زندگی فرد را تغییر دهد. کم و زیاد این باورها در هر فرد با توجه به

- عطارزاده، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ثروت‌یاری، ک؛ گروسی، س. و یوسفی، ف. (۱۳۹۷). «بررسی فراوانی اعتقاد به خرافات و عوامل مرتبط با آن در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کردستان»، *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان*، ش ۲۳، ص ۲۵-۳۶.
- جان‌علیزاده چوب‌بستی، ح؛ بابازاده‌بائی، ع. و ابراهیمی، س. (۱۳۸۸). «کاوشی جامعه‌شناختی در وضعیت خرافه‌گرایی دانشجویان»، *مجله راهبرد فرهنگ*، ش ۵، ص ۱۰۷-۱۲۸.
- جهانشاهی افشار، ع. و شمس‌الدینی مطلق، م. (۱۳۹۳). «ریشه‌های خرافات و کارکرد آنها در فرهنگ مردم (مورد مطالعه: باورهای مردم کرمان)»، *دو فصلنامه فرهنگ و ادبیات عامه*، س ۲، ش ۳، ص ۴۹-۷۷.
- ربیعی، ک. (۱۳۹۱). *توسعه اجتماعی-اقتصادی و تأثیرات بر تلقی افراد از امر خرافی، مطالعه موردی: شهرستان‌های استان اصفهان*، رساله دکتری، رشته جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- ربیعی، ک. (۱۳۹۲). *بدعت‌ها و خرافات استان اصفهان*، اصفهان: حوزه علمیه قم، دفتر تبلیغات اسلامی، شعبه استان اصفهان.
- ربیعی، ک. (۱۳۹۶). «کنکاشی در تلقی افراد از چیستی خرافات و عوامل مؤثر بر آن، مطالعه موردی: شهرستان‌های استان اصفهان»، *دو فصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، س ۵، ش ۲، ص ۷۳-۱۰۲.
- روی، پ. (۱۳۸۲). «معمای امنیت اجتماعی»، ترجمه: منیژه نویدنیا، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ش ۲۱، ص ۶۸۵-۷۰۸.
- زارع، ح. و امین‌پور، ح. (۱۳۹۰). *آزمون‌های روان‌شناختی*، تهران: انتشارات آبیژ.
- زارع، ع؛ زارع، ح. و عمادی، م. (۱۳۹۴). «عوامل مؤثر بر گرایش به خرافات در بین بازیکنان فوتبال ایران»، درگیر می‌کند و آفت‌های جبران‌ناپذیری به بار می‌آورد؛ بنابراین، شناختن ابعاد خرافات و تبعات منفی آن برای افراد یک جامعه ضروری است. همچنین باید با هدایت جامعه به‌ویژه دانشجویان به سمت عقلانیت و واقع‌بینی، آنان را از گرایش به خرافات دور کرد.
- یکی از راه‌حل‌های کاهش میزان گرایش به خرافات، افزایش آگاهی از طریق آموزش انتقادی است؛ آموزشی که روحیه پرسشگری و ذهن استدلال‌گر پرورش دهد. دانشگاه به‌عنوان مهم‌ترین محمل علمی هر جامعه، نقش بسزایی در کاهش گرایش به باورهای خرافی دارد. این امر با تقویت دانش «رهایی‌بخش» به‌عنوان دانشی که انسان را از قیدوبندهای نادرست ذهنی رها کند، تحقق می‌پذیرد. همچنین ناهماهنگی و نبود ارتباط ارگانیک میان توسعه آموزشی و توسعه اقتصادی در کشور به بروز ناهماهنگی‌هایی میان خروجی‌های دانشگاه و ورودی‌های بازار کار منجر شده است؛ امری که در کاهش احساس امنیت روانی و امنیت اجتماعی دانشجویان، نقش بسزایی دارد. امید به آینده شغلی (درست یا غلط)، مرکز ثقل امنیت روانی و امنیت اجتماعی هر فردی است. زمانی که این احساس امنیت به خطر می‌افتد، راه برای انحرافات دیگر از جمله گرایش به خرافات فراهم می‌شود. برنامه‌ریزی‌های توسعه‌گرایانه مانند تحقق هدف «دانشگاه کارآفرین»، که دانشگاه‌ها را به سمت کاربردی‌کردن رشته‌های دانشگاهی سوق می‌دهد، امر پسندیده‌ای است. با این کار، شرایط برای ایجاد موقعیت‌های شغلی مختلف برای دانشجویان و امید به دستیابی خوشبختی بیشتر فراهم می‌شود.

## منابع

- افشانی، ع. (۱۳۸۵). *تبیین جامعه‌شناختی گرایش به خرافات در ایران (مطالعه موردی: شهرهای اهواز، اصفهان و ایلام)*، رساله دکتری، رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- بوزان، ب. (۱۳۷۸). *مردم، دولت‌ها و هراس*، ترجمه: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ویراستار: مجتبی

- صدارتی، تهران: نشر مرکز.
- ویر، م. (۱۳۷۳) اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری، ترجمه: عبدالمعبود انصاری، تهران: سمت.
- Baron, R. M. and Kenny, D. A. (1986) "The Moderator-Mediator Variable Distinction in Social Psychological Research: Conceptual, Strategic, and Statistical Considerations", *Journal of Personality and Social Psychology*, 51(6): 11-73.
- Buzan, B. (1991) "New Patterns of Global Security in The Twenty-First Century", *Source: International Affairs (Royal Institute of International Affairs 1944)*, 67(3): 431-451.
- Halla, M. Liu, CH. and Liu, J. (2019) "The Effect of Superstition of Health: Evidence from the Taiwanese Ghost Month", *IZA Institute of Labor Economics*, 12066:1-44.
- Inglehart, R. F. (2016) *Modernization, existential security and cultural change: reshaping human motivation and society*, *Forthcoming in M. Gelfand, C.Y. Chiu and Y-Y Hong (Eds.) Advances in Culture and Psychology Oxford Univ Press*.
- Inglehart, R. (1999) *Trust, Well-Being and Democracy*. In M. E. Warren (Ed.), *Democracy and Trust* (pp. 88-120). Cambridge: Cambridge University Press.
- Malinowski, B. (1984) *Magic, science and religion and other essays*, Beacon press: Boston, Massachusetts, The free press: Glencoe, Illinois.
- Markle, D. T. (2007) *The magic that binds us: stress and superstition*, Master's Thesis, University of New York at New Paltz.
- Haq Kayani, A. U. (2011) *Fatalism, superstition, religion, and culture: road user beliefs and behavior in Pakistan*, University of Technology Brisbane, Australia.
- Sagone, E. and Elvira De Caroli, M. (2015) "Beliefs About Superstition and Luck in External Believers University Students", *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 191: 366 – 371.
- Shuihung, W. (2009) *Does superstition help? A study on the relationship among superstitions, death beliefs, personality, and death anxiety of university students in Hong Kong*, University of Hong Kong, In the department of applied social studies, Master's Thesis, The postgraduate diploma in psychology.
- فصلنامه مدیریت و توسعه ورزش، س ۶، ش ۲، ص ۳۱-۴۵.
- زارع شاه‌آبادی، الف. و ترکان، ر. (۱۳۹۴). «بررسی رابطه احساس امنیت اجتماعی و نظام ارزشی جوانان (مطالعه‌ای درباره دانشجویان دانشگاه یزد)»، *مطالعات اجتماعی ایران*، د ۹، ش ۱، ص ۱۰۳-۱۲۷.
- زواره‌ای، م. (۱۳۹۶). «خرافه‌گرایی ۳۲ درصدی در اصفهان»، <http://www.isfahanziba.ir/node/48890>.
- شمس، غ. و خلیجیان، ص. (۱۳۹۲). «تأثیر مولفه‌های رهبری امنیت‌مدار بر احساس امنیت روانی کارکنان: نقش میانجی اثر بخشی رهبری»، *فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی*، د ۹، ش ۴، ص ۳۳-۵۳.
- صفایی، ص؛ طیبی‌نیا، م. و عرفانی، ن. (۱۳۸۹). «بررسی عوامل جامعه‌شناختی مرتبط با خرافات»، *فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی*، ش ۲۱، ص ۱۵۵-۱۸۲.
- عزیزخانی، ا؛ ابراهیمی، ج. و آبتین، ج. (۱۳۹۴). «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به خرافات (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه آزاد واحد اردبیل)»، *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، س ۶، ش ۱۸، ص ۵۳-۷۲.
- کوزر، ل. (۱۳۸۰). *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- کینگ، گ. و موری، ک. (۱۳۸۳). «بازاندیشی در امنیت انسانی». ترجمه: مرتضی بحرانی، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ش ۲۶، ص ۷۷۵-۸۰۲.
- مازلو، ا. (۱۳۶۷). *روانشناسی شخصیت سالم*، ترجمه: شیوا رویگریان، تهران: هدف، گلشایی
- مرادی رستگار، ح؛ جباری والا، م؛ شمخانی، ا. و ظهیری برازنده، ا. (۱۳۹۷). «میزان گرایش دانشجویان به باورهای خرافی (مطالعه موردی: دانشگاه پیام‌نور مرکز همدان)»، *فصلنامه علمی تخصصی دانش انتظامی همدان*، س ۴، ش ۱۵، ص ۶۷-۹۰.
- ویر، م. (۱۳۷۴) *مفاهیم اساسی در جامعه‌شناسی*، ترجمه احمد